



یک سال بعد!

یک سال بعد از اولین درگیری حزب دمکرات و کومه له در اورامان و درست در آستانه سالگرد فاجعه خونین ۲۵ آبانماه، خبر درگیری خونین دیگری از سلسله درگیریهای یک سال گذشته حزب دمکرات و کومه له منتشر گشته است که طی آن بیش از ۳۰ تن از پیشمرگان کومه له، توسط حزب دمکرات کردستان به شهادت رسیده و قربانی سیاستهای حاکم بر این درگیریها شده اند.

یک سال پیش نیز در پیست و پنجم همین ماه، مقرهای کومه له در اورامانات مورد یورش همه جانبه پیشمرگان حزب دمکرات قرار گرفت و تعدادی از پیشمرگان کومه له اسیر و اعدام شدند. همین درگیری نیز در واقع مصادی تمامی برخوردهای خونین اتنی دو نیرو گشت و با برخورد در صفحه ۲

نامه بخشی دیگر از اهالی سنندج

پیرامون ضرورت قطع درگیریهای حزب دمکرات و کومه له

عمومی توده های زحمتکش خلق کرد در شرایط کنونی است که ادامه هرچه بیشتر درگیریهای خونین بین دو نیرو را قبل از همه سد راه رسیدن به اهداف و آمال خود می دانند، اهداف و آملی که بیش از شش سال است با عزم و اراده ای آهنین برای رسیدن به آنها مبارزه همه جانبه ای را با تمامی توان خود به پیش برده اند، بمباران شهرها و کشتارهای بی وقفه و در صفحه ۳

بخشی از اهالی سنندج طی نامه ای که اخیراً به حزب دمکرات و کومه له و رونوشت آن را نیز به سازمان ما و دفتر شیخ عزالدین حسینی ارسال داشته اند، یکبار دیگر خواستار قطع درگیریهای حزب دمکرات و کومه له و آتش بس فوری و بدون قید و شرط و شروع مذاکره برای پیشبرد سیاسی اختلافات دو نیرو شده اند. این نامه که طوماری از مدتها اضا مردم سنندج را همراه دارد، بیاگر خواست

تخلیه اجباری و تخریب روستاها

نشانه عجز و درماندگی رژیم

اراده خلل ناپذیر و رزمجویانه خلق قهرمان کرد و از این طریق به شکست کشاندن جنبش در صفحه ۴

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، از نخستین روزهای موجودیت اش، یکی از مهم ترین اهداف خود را درهم کوبیدن

در صفحات دیگر:



اخبار جنبش توده ای

صفحه ۱۰

اطلاعیه... پیرامون سیاست تخلیه و تخریب روستاها توسط رژیم جمهوری اسلامی صفحه ۶

اطلاعیه... پیرامون بازداشت دو تن از پیشمرگان سازمان توسط حزب دمکرات کردستان ایران صفحه ۲۲

درگیری های کنونی در کردستان همراه ساخته و چهره واقعی خود را در پشت سر انواع و اقسام صحنه سازی ها و بی پرستی های همیشگی این جریان پنهان نموده است. هرچند خود احکام صادره در این نشریه به خوبی افشاگر چهره کسانی است که خود را مبارزان بی قید و شرط دمکراسی می دانند ولی نگاهی به همین نوشته، عمق آن تفکر و دیدگاه معین طبقاتی ای را که امروز در عرصه در صفحه ۷

سکنا و رسم در شیوه برخورد

این نشریه تحت عنوان برخورد با نامه ما به حزب دمکرات در شماره ۱۴، به اعلام یک سری احکامی دست زده است که تاکنون نیز اینجا و آنجا به اشاعه آنها همت گماشته بود. ویژگی این نوشته در آن است که تکرار این احکام مورد نظر خود را در پوشش به کارگیری انواع و اقسام شیوه های برخورد بورژوازیست به مواضع ما در قبال

نشریه کمونیست ارگان حزب کمونیست کومه له در شماره شهریور ماه خود، طی مقاله ای تحت عنوان درس هایی از یک اعلامیه کوتاه، یکبار دیگر به تکرار مکرر مواضع تنگ نظرانه ای پرداخته است که امروز دیگر به وجه مشخصه اصلی کومه له و شرکا در برخورد با نیروهای سیاسی و مسائل مردم جنبش انقلابی خلق کرد، بدل گشته است.

یک سال بعد

از صفحه ۱

غیر مسئولانه حزب دمکرات بسا جنابات انجام شده در طول این درگیری، زمینه برای هرگونه برخورد خونین دیگری در آینده میباید.

درگیری شمال کردستان، در واقع شروع دور جدیدی از درگیریها، اعلام آغاز مرحله جدیدی در تداوم بی وقفه آنها بعد از چند ماه رکود در زد و خورد های خونین دویرو، و در عین حال نقطه تاکیدی بر تداوم آتشی آنهاست. به همین لحاظ نیز فاجعه ای که در شمال کردستان و در روز ۲۲ آباناه صورت گرفته است، چه از نقطه نظر وضعیتی که بدنیاال خواهد آورد، چه به لحاظ قربانیانی که در کام خود فرو رفته اند، تنها با درگیری ۲۵ آبان اورامان قابل قیاس میتواند باشد. با این تفاوت اساسی که بعد از درگیری اورامان هنوز امکان مبارز این درگیریها و محصور داشتن آنها در چارچوب همین ضابطات سیاسی فیمابین نیروها تصور و کاملاً امکانپذیر بود. همانگونه که تلاش های گسترده ای در این زمینه چه قبل از شروع جدید درگیریها توسط کوهله در ششم بهمن ماه و چه بعد از آن برای مبارز این درگیریها بعمل آمده ولی امروز دیگر درگیری شمال کردستان بر بستر عدم تحقق چنین امکانی در توالی سلسله درگیریهای یک سال گذشته و در شرایطی بوقوع پیوسته است که تحقق آتشی پس و قطع درگیریها، عملاً دور از دسترس تر از همیشه به نظر می رسد. و چه بسا در تداوم دور جدیدی از درگیریها، در مناطق مختلف کردستان، غیر قابل حصول تر از همیشه نیز خواهد گشت. درگیری شمال کردستان و ابعاد فاجعه بار آن نشان می دهد که سیر عمومی وقایع در طول یک سال گذشته نه تنها در جهت قطع درگیریها و حل مسائل مربوط به این درگیریها و یا حد اقل مبارز آنها حرکت نکرده است، بلکه بر بستر سیاستهای موجود این درگیریها، درست در مسیر عکس آن نیز پیش رفته است. به همین دلیل است که در این سال گذشته

که درگیریهای دویرو امروز در آستانه ورود به مرحله حساس و جدیدی است که دیگر در عسکری کامل جنگ داخلی در کردستان، مشخصه بارز آن خواهد گشت. توان نیروی حاصله در طول یک سال گذشته و در جریان تداوم درگیریها، امروز به تعادل نسبی خود رسیده است. توازنسی که در حقیقت بعد از پشت سر گذاردن تجمع وسیع نیرو از سوی هر دو جریان و در بین کشاکش چندین ماهه نخست درگیریها، بعد از چندین درگیری سنگین، حاصل آمده بود. در واقع رکود چندین ماهه اخیر در درگیریهای طرفین قبل از هر چیزی ناشی از وجود چنین توازنسی بود. شکستن وضعیت حاصله از این توازن، بطور قطع بدینال خود یک رشته کامپی از درگیریهای سراسری را بدینال خواهد داشت که می توان گفت درگیری شمال کردستان، شروع آن بود. اگر در طول یک سال گذشته، جز در همان ماههای نخست درگیری، بخش مهمی از نیروهای طرفین را، همین درگیریهای متقابل به خود اختصاص می داد و یا بخش تعداد زیادی از خود همین درگیریها بطور اتفاقی روی می داد، بعد از این دیگر ملأ بخش اعظم نیروهای طرفین، در توالی درگیریهای از نوع درگیری شمال کردستان، اجباراً به تقابل با یکدیگر کشانیده خواهند شد و پیشمرگان هر دو طرف در آسایش بلا انقطاع اینگونه درگیریهای متحرک و غافلگیر کننده، فرسوده خواهند گشت. درست در چنین شرایطی از درگیریها نیز هست که امر متقابل به رژیم در جنگ و گریز مداوم دو جریان به امری ثانوی بدل خواهد شد. از همین رو نیز بدون تردید باید گفت که تداوم درگیریهای حزب دمکرات و کومله، در شرایط آتشی و در ابعاد کنونی آن، نه تنها به ضرر جنبش انقلابی خلق کرد عمل خواهد کرد، بلکه قبل از همه در روند فرسایشی خود آنها تهدید به شکست نیز خواهد کرد. این درگیریها تا کنون لطافت جبران ناپذیری را بر جنبش انقلابی خلق کرد وارد آورده اند، اما در شرایط آتشی دیگر این لطافت ابعاد فاجعه باری به خود خواهد گرفت. که درگیری شمال کردستان گوشه ای از آنرا به نمایش گذاشته است.

از این درگیریها در طول

یکسال گذشته از یک سوی دست رژیم را در مناطق خالی از پیشمرکه برای اعمال انواع و اقسام سیاستهای ارتجاعی خود باز گذاشته بود، و از سوی دیگر علیرغم روحیه انقلابی توده ها و مبارزات گسترده و اعتراض آنها علیه رژیم به وسعت تمام خاک کردستان، تأثیرات سوء تداوم بلا وقفه جنگ داخلی را بر آنها تحمیل کرده بود، در شرایط آتشی نه تنها بر ابعاد این خلاء حضور مداوم پیشمرکه در اکثر مناطق خواهد افزود، نه تنها بر ابعاد تأثیرات سوء حاصله از گشت و گذار داخلی، دامن خواهد زد و جو بدبینی و یاس نسبت به آینده را تشدید خواهد نمود، بلکه امنیت جاززاتی در کردستان را بطور جدی به مخاطره خواهد افکند، تمامی دستاوردهای مبارزات شش ساله خلق کرد را لگد مال خواهد کرد.

ادامه درگیریهای کنونی در ابعاد نوب خود، و در فقدان هرگونه اعتنائی به یک راه حل اصولی برای پایان دادن به آنها، عملاً نتایج قهری خود را ببار خواهد آورد. و حصول تبعی سیاستهای طبقاتی معین پشت سر این درگیریها را در عمل به نمایش خواهد گذاشت.

سیاست هائی که بسندون هیچ گونه درک و توجهی به الزامات رشد آتشی جنبش کنونی، ضروریات عاجل آن عملاً در جهت مخالفت رشد جنبش و در مقابل با ضروریات عاجل آن حرکت نموده، بیان خود را نه در سازماندهی مبارزه کنونی بر اساس الزامات آن، بلکه در سازماندهی جنگ داخلی و درست در نقطه مقابل الزامات غیر قابل انکار مبارزه همه جانبه خلق کرد، باز می یابند.

حزب دمکرات و کومله، به عنوان دوجریان ناسیونالیست کردستان، نه تنها امروز و در نتیجه یک سال درگیری خود، بلکه در حساس ترین مقاطع مشخص جنبش کنونی بارها در عمل ثابت گردانند گشته جریان های ناسیونالیست بورژوازی و خرده بورژوازی هرگز قادر نیستند، جنبش کنونی را نه به لحاظ برنامه ای و نه به لحاظ هدایت عملی آن یا پیروزی قرین سازند. بلکه بر عکس این دوجریان یکبار دیگر بر این واقعیت صحنه گذاشته اند که این گونه جریانها

نامه بخشی دیگر از اهالی سندج

پیرامون ضرورت قطع درگیریهای حزب دمکرات و کومه له

از صفحه ۱

محاصره اقتصادی را پشت سر گذارده و در جنگ بی‌امانی با تمامی قدرت خود با یکی از ارتجاعی‌ترین رژیم‌های تاریخ، درگیر شده، مدّام ضربات مهلک خود را بر پیکر آن وارد آورده‌اند.

توده‌های زخمکش خلق کرد، امروز و با ادامه درگیری‌های خونین حزب دمکرات و کومه له، نه تنها قربانی شدن فرزندان خود در یک جنگ داخلی را شاهد هستند، بلکه بدون هیچ تردیدی زیانبار بودن ادامه این درگیری‌ها برای جنبش کردستان را نیز در تمامی زمینه‌ها لمس می‌کنند. آنها به خوبی درمی‌یابند که در شرایط کنونی ادامه این درگیری‌ها تنها به نفع رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران رنگارنگ آن در کردستان تمام شده است. آنها در طول یکسال گذشته به‌عینه شاهد بوده‌اند که چگونه املحه‌هایی که پیاید سینه مزدوران رژیم را آماج گلوله‌های خود قرار می‌داد، سینه فرزندان خلق کرد و پیشمرگان رزمیده آن را هدف گرفته است. آنها بخوبی در عرض یک سال گذشته شاهد بوده‌اند، که چقدر رژیم از این درگیری‌ها بهره‌جسته است، چه تبلیغات گسترده‌ای را دامن زده است، چگونه در مناطق خالی از پیشمرگه با فراغت خاطر جولان داده است و در مقابل، رادیوهای دونیرو درگیر یعنی حزب دمکرات و کومه له، به جای اخبار نبرد با رژیم، اخبار فتوحات یکی بر دیگری را با آب و تاب اعلام داشته‌اند. تمام هم و غم خود را صرف شعله‌ور ساختن هرچه بیشتر آتش جنگ داخلی نموده‌اند.

نامه بخشی از اهالی سندج، بعنوان نمونه کوچکی از خواست توده‌های میلیونی خلق کرد، بیانگر آن خواست عمیق و درونی است که بیشتر توده‌هایی است که پیش از شش سال است با تمامی وجود خود بار

عظیم این جنبش را بر دوش خود کشیده‌اند و یک لحظه از مبارزه همه‌جانبه برای رسیدن به اهداف و آرمان به حق خود، باز نمانده‌اند و امروز در تداوم درگیری‌های خونین دونیرو، حاصل این مبارزه تاریخی را در معرض تهدید جدی می‌بینند.

نامه مردم سندج علاوه بر تمامی اینها، بیانگر عزم و اراده توده‌های زخمکش خلق کرد برای خاتمه دادن به این درگیری‌ها از طریق محکوم نمودن آشکار آن نیرویی است که از قبول آتش-بس فوری و بدون قید و شرط خودداری می‌نماید. بدون تردید این امر یکی از بارزترین نکات این نامه است. امروز دیگر توده‌های مردم در جریان عطشی

جنبش به این حقیقت پی‌برده‌اند که بدون برخورد قاطع و انقلابی با عامل تداوم این درگیری‌ها مسلماً قطع آنها امکانپذیر نیست. محکومیت عامل ادامه درگیری‌های کنونی، از سویی توده‌های مردم، بیانگر این واقعیت است که مردم کردستان امروز دیگر ضرورت دخالت فعال خود در مبارزه برای قطع این درگیری‌ها را با توجه به نتایج فاجعه‌بار یک سال گذشته آن بیش از همیشه درک می‌کنند. بدون تردید در شرایطی که حزب دمکرات، بعنوان عامل اصلی تداوم این درگیری‌ها، که اینک وارد دومین سال خود می‌شود، حاضر به پذیرش خواست عمومی اکثریت نیروهای سیاسی و مردم کردستان نیست، قطعاً دخالت فعال توده‌های زخمکش خلق کرد، در مبارزه علیه سیاست حزب دمکرات در این زمینه می‌تواند به قطع این درگیری‌ها منجر شده، و نه تنها حزب دمکرات بلکه هر دونیرو را به دست برداشتن از سیاست‌های کنونی خود وادار نماید.

پیشن نامه

قیمه خه لکی سنه، شه‌ری کومه له و حیزنی دیمکرات به زبانی شورتری کوردستان ده زانین و داواکاریسن که فوری ویی برو بیانو تاگریسه س قیعلام بگری و وت و میژ دست بی بگری بوئه وه ی شم دو هیزه اختلافاتی سیاسی خویان به بی شه‌ری چه کدارانه و له ریگای سیاسی وه به رنه پیش و هه رکه س تاگریسه س قبول نه کات له لایسن قیمه وه مه حکوموه .

جهت اطلاع : حزب دمکرات کردستان ایران

جهت اطلاع : سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له)

رونوشت : دفتر ماموستا شیخ عزالدین حسینی

رونوشت : سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - اقلیت -

اعضاء حدود ۳۰۰ نفر

ما مردم سندج، درگیری کومه له و حزب دمکرات را به ضرر جنبش کردستان می‌دانیم و خواهان آنیم که فوری و بدون هر پنهانی آتش‌بس اعلام گردد و مذاکره شروع شود برای اینکه این دونیرو اختلافات سیاسی خودشان را بدون درگیری صلحانه و از راه سیاسی حل نمایند و هرکس آتش‌بس را قبول نکند از طرف ما محکوم است.

جهت اطلاع : حزب دمکرات کردستان ایران

جهت اطلاع : سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له)

رونوشت : دفتر ماموستا شیخ عزالدین حسینی

رونوشت : سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - اقلیت -

اعضاء حدود ۳۰۰ نفر

تخلیه اجباری

از صفحه ۱

انقلابی کردستان قرار داده است. عملکرد این هدف ضد انقلابی که در سرلوحه خواستهای سیاست های بغایت ارتجاعی رژیم قرار داشته است، هر زمان به شکلی و شیوه ای، در پهنه خاک خونین کردستان نمودار گشته است، و اعمال خشن ترین شیوه های سرکوب، کشتارهای بیرحمانه و ستمی بی حد و حصر، همچنین خط سیاهی در تمام طول حیات تنگین رژیم و به هیئت ترین خلکی عملاً مشهود بوده و تداوم داشته است.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، برای دستیابی به اهداف ضد مردمی خود، باها و بیارها، شهرها و روستاهای کردستان را توپ باران و خمپاره باران کرده اند، با ایجاد جو رعب و هراس و اعمال شدیدترین شیوه های ترور و سرکوب، جنایات فاجعه انگیز و هولناکی آفریده اند، مردم بی دفاع را در کوچه و خیابان به رگبار بسته اند، به کشتار و ضلعم پیرداخته اند، "پندرقاش" ها، "قه لاتان" ها و "قارنا" ها را آفریده اند، و از هیچگونه جنایتی در حق مردم قهرمان کردستان فروگذار نکرده اند.

اما علیرغم همه این سرکوب های خونین و علیرغم بکارگیری ماشین عظیم جنگی علیه جنبش انقلابی خلق کرد، مبارزات دلاورانه و حق طلبانه پیشمرگان قهرمان خلق کرد و اهالی زحمتکش کردستان، ادامه داشته و کتبه تلاش های مذبوحانه رژیم را در این زمینه بی نتیجه گذاشته است.

خلق قهرمان کرد، اما رزنده و مقاوم، محکم و استوار ایستاده است.

رژیم جمهوری اسلامی، حامی سرمایه داران و دشمن کارگران و زحمتکشان نیز در این صفای خونین، بیگار ننشسته است. این رژیم در منشی و ارتجاعی، ضمن بکارگیری بی وقته ماشین سرکوب خود، مدام در فکر چاره پیونده است تا به هر شیوه ممکن، این آتش زعله ور را خاموش کرده و به هدف غائی خود نائل آید. از این رو، از تمامی تجارب ارتش های سرکوبگر ضد انقلابی، در سرکوب و به خون کشیدن جنبشهای

انقلابی بهره جسته، و با کارست این شیوه ها در عرصه کردستان، در پی اهداف ضد انقلابی و سیاست های ارتجاعی خود به تلاش های باز هم مذبوحانه تری دست زده است. مبارزگی سرکوبی اجباری، تسلیم اجباری، تخریب و آتش زدن روستاها، و بالاخره تخلیه روستاها و کوچ اجباری روستائیان را در چارچوب کلی اینگونه سیاست های ارتجاعی رژیم باید دید. سرچشمین مزدور در همین رابطه کوشیده اند تا با توسل به شیوه های گوناگون، از تحمیل و تهدید گرفته، تا زور و سرنیزه، توده های خلق کرد را به نفع خود مسلح کرده و از نیروی آنان علیه خودشان و علیه جنبش انقلابی خلق کرد سوءجودند. اما اتخاذ این تدبیر ارتجاعی از سوی رژیم، نه تنها موفقیتی برای او در بر نداشته است، بلکه همواره از جانب توده های انقلابی خلق کرد، مورد اعتراض قرار گرفته است.

از دیگر سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، مبارزگی اجباری است، که با هدف محروم ساختن جنبش صلحانه خلق کرد و پیشمرگان قهرمان آن از نیروی ذخیره خود و همچنین تاهمین کمبود نیروی انسانی برای جبهه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق، یعنی استفاده از جوانان کرد، به مثابه گوشت دم تپ سوسایه داران و غارتگران صورت می گیرد. این سیاست نیز اگرچه از مدت ها پیش در دستور کار نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفته است، اما از سوی توده های انقلابی خلق کرد با اعتراضات جدی مواجه گشته و جوانان روستائی در بسیاری از موارد با فرار از روستاها، مزدوران را ناکام گذاشته اند.

در ادامه چنین سیاستهای سرکوبگرانه ای است که رژیم به افزایش نیروهای مزدور خود در مناطق مختلف کردستان دست زده است و بر تعداد پایگاه ها و قرارگاه های خود در سرتاسیر کردستان افزوده است. تا آنجا که هم اکنون بیش از دو هزار پایگاه و بیست و سه پادگان بزرگ در مناطق مختلف کردستان ایجاد کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی، در آغاز جهت کنترل حرکت پیشمرگان و محدود کردن دامنه تحرک آنان، به ایجاد پایگاه بر فراز بلندی ها و ارتفاعات پرداخت و بر سر جاده ها و راه ها، قرارگاه

های متعددی مستقر ساخت تا ضمن کنترل تردد پیشمرگان، از ارتباطات فعال و گسترده آنان با توده ها و حمایت عسلی مردم از فرزندان مبارز خود جلوگیری کند. اما حرکات انقلابی و تعرضات دلاورانه پیشمرگان شجاع خلق کرد، نه تنها این اقدامات ارتجاعی را عقیم گذارد، که در بسیاری موارد ضربات سرکوبی بر یکسر ماشین جنگی رژیم فرسوده جمهوری اسلامی وارد آورده و تلفات جدی و سنگینی را به آن تحمیل کرد.

اما، رژیم در منشی جمهوری اسلامی که عسلی رژیم بکارگیری تمامی این شیوه ها از پیشبرد تمام و تمام سیاست های ارتجاعی خود ناتوان مانده است، با استفاده از تجارب اسلانی ضد انقلابی خویش باز هم کوشیده است تا نیروهای مسلح و رزنده خلق کرد را در کلبه عرصه ها دچار ضیق ساخته و آنها را در تنگنا قرار دهد. از همین رو با انتقال پایگاه های ضد انقلابی خود به درون روستاها و مراعی داشتن انواع و اقسام ستمگری در حق اهالی همزمان دست به تخریب و آتش زدن روستاها زده است، تا روستائیان را وادار به کوچ اجباری و تخلیه خانه و گشاته خود نماید.

اینک مزدوران سرکوبگر رژیم با درس آموزی از هیمالگی های ضد انقلابی خود در وینام و صهیونیست ها در فلسطین اشغالی و همچنین رژیم ارتجاعی عراق در کردستان که چنین شیوه هایی را در مقابله با انقلابین و برای تسلیم آنها به کار می بردند، امروز در مناطق مختلف کردستان، و پیش از هر زمان دیگری چنین سیاستی را در ابعادی گسترده و کم سابقه ای در پیش گرفته اند. سال پیش نیز رژیم با تلاش توطئه گرانه و ضد انقلابی خویش کوشید تا با زور و تهدید، اهالی بیش از ۶۰ روستا را که جمعیتی بیش از ده هزار نفر را تشکیل می داد، اجباراً کوچ دهد. سرکوبگران تهدید کرده بودند که در صورت عدم تخلیه، روستاها را به توپ و خمپاره می بندند و با خاک یکسان می کنند. اما مقاومت دلاورانه و اعتراضات شجاعانه اهالی زحمتکش این روستاها، حمایت نیروهای انقلابی از مردم این مناطق و اقتضای سیاست ارتجاعی و ضد مردمی رژیم توسط نیروهای انقلابی

تخلیه اجباری...

ضمدی را تخریب نموده، خانه ها و اموال آنها را در جلوریدگان نشان به آتش کشیده اند، اهالی بسیاری از روستاهای دیگر را اخطار و تهدید کرده اند که در اسرع وقت روستاهای خود را تخلیه کنند. روستاهای منطقه مهاباد و سیمه در معرض این سیاست قرار گرفته اند.

چندی پیش روستاهای
چومان، کرک، نیلان،
قرنجه بالا و کانی شینگی
توسط مزدوران رژیم به کلی
میران شده و اهالی آنان آواره
روستاهای اطراف شدند. همچنین
به تعداد زیادی از روستاهای
این منطقه اخطار شده است
هرچه زودتر روستاهای خود را
تخلیه کنند.

در تاریخ بیست و هفتم مهر
ماه، روستاهای سیف و
بورمه از روستاهای منطقه
سرشیو، قز مورد یورش
وحشیانه مزدوران واقع شد.
سرکوبگران پس از يك اخطار
در کمال وقاحت و بیشرمی هر دو
روستای فوق را به آتش
کشیدند و ساکنین آنها آواره
کردند. مزدوران در ادامه
وحشیگریهای بی حد و حصر
خود مردم روستاهای بایر بالا و
بایر یائین را با اجبار کرج
راندند و به تعداد دیگری از
روستاهای این منطقه اخطار
کرده اند که روستاهای خود را
تخلیه کنند.

همچنین بسیاری از روستاهای
مناطق میرزاز، گورک ۱ و
گورک ۲ از جمله روستاهای
امن آباد، کوخسان،
عین سلا، هشت پله پایین،
هشت پله بالا، گولان و
ده ها روستای دیگر این مناطق
اخطار تخلیه گرفته اند و هم اکنون
اهالی زحمتکش این روستاها
در معرض آوارگی و در بدری
و آتش سوزی است.

رژیم جمهوری اسلامی، که با
تخاصی نیرو و تجهیزات عظیم خود
و یکاریگری انواع شیوه هلی
سرکوب جنایتکارانه توانسته است
مانعی در برابر حمایت فعال
و بی دریغ زحمتکشان خلق کرد،
از پیشمرگان ایجاد کند، اکنون،
یکبار دیگر سیاست تخلیه و تخریب
روستاها را پیشه کرده است تا به
خیال خام خود این کانون گرم
و پرخرش مبارزه انقلابی را
در صفحه ۲۰

آنچه که امروز می بایستی
به عنوان همداری جدی تلقی گردد
ادامه این سیاست جنایتکارانه
است که اخیراً، ایجاد گسترده
و فاجعه بارتری بخود گرفته
است. سرکوبگران مزدور
در بسیاری از مناطق کردستان
و سیمه دست به تهدید و
ارغاب زده اند و با تخریب
و آتش زدن روستاها در پی
تحقق اهداف ارتجاعی خود
برآمده اند.

رژیم جنگ طلب جمهوری
اسلامی، ناتوان از مقابله با
جنبش انقلابی خلق کرد، با
حره های گوناگون مذبوحانه
تلاش ورزیده است تا عرصه
زندگی را پر توده های زحمتکش
خلق کرد که تجاوز از شش
سال و بطور مداوم، علیه
سیاست های ارتجاعی رژیم و برای
حق تعیین سرنوشت خود بیجا
خاسته اند، تنگ تر نماید، تا
بتواند جنبش ملحانه انقلابی
خلق کرد را کنترل و مهار کند،
و نهایتاً آنها را از میان بردارد. اما
استقرار پایگاهها و قرارگاههای
ضد انقلابی او حتی در دل
روستاها، نتوانسته است این هدف
ارتجاعی رژیم را برآورده سازد،
و همانطور که تجارب عطسی و
تداوم مبارزه انقلابی توده های
خلق کرد و پیشمرگان قهرمان
آن نشان داده است این
تلاشهای عیث کارساز نبوده است.
از این رو ارتجاع هار جمهوری
اسلامی با هدف نابودی جنبش
انقلابی، اما ناتوان از دست یابی
به این هدف، آخرین تیرهای
نرگی خود را رها ساخته و تنها
راه و یا آخرین راه چاره را در
تخلیه و تخریب روستاها یافته است
شیوه ای که همواره مورد استفاده
ضد انقلابیون در مقابله با
مبارزات پارتیزانی و جنگهای
ملحانه توده ای بوده است.
رژیم با کاربرد این شیوه سرکوب
پیرحمانه، و این بار با قرد عطسی
کردن آن در قیاسی و سیمه،
در خیال آن است که به اهداف
شوم و ارتجاعی خود نائل آید.
هم اکنون بسیاری از روستاهای
مناطق کردستان مورد هجوم
وحشیانه مزدوران واقع گشته است
چکه پویشان رژیم، روستاهای

سازمحه هواداران سازمان ما
در خان از کشور رژیم را وادار
به عقب نشینی کردند.
جمهوری اسلامی، اگر چه در
زمینه پیشبرد این سیاست
ارتجاعی موقتاً مجبور به
عقب نشینی شده، اما هیچگاه
بطور قطعی از آن دست بر-
نداشت. تنگانی به اخبار جنش
توده ای ضد رژیم در شماره های
مختلف ریگای گدل، گویای این
واقعیت است که رژیم به رغم
عقب نشینی خود این سیاست
را تعقیب کرده و در مواردی
نیز آنها را به اجرا در آورده
است. برای نمونه مزدوران
رژیم در خردادماه سال جاری،
روستاهای کچکاران، چوسی،
کاولان، دیمان، پامزایا دو
لوشان را در منطقه ارومیه
به آتش کشیده و یا تخریب
نموده اند. بیست و یکم
تیرماه نیز روستاهای شرمین،
دی گوزان در منطقه
هلی پرده رش توسط سرکوبگران
به آتش کشیده می شود. روستای
چوارگا در منطقه مهاباد
نیز توسط مزدوران طعمه حریق
شده است. برخی از روستاهای
منطقه سرشاخان نقده نیز به آتش
کشیده شده است و از اهالی
بسیاری از روستاهای دیگر این
منطقه خواسته شده است که
روستاهای خود را تخلیه کنند
همچنین روستای کان واقع
در منطقه اشتریه توسط
سرکوبگران تخریب شده و روستای
حسین آباد در منطقه
سوکان جز خرابیهای باقی نمانده
است. روستای شلیم زاران در
منطقه پیرانشهر نیز به سرنوشتی
مشابه دچار گشته است و در
تقاضای این موارد، روستائیان
زحمتکش، که همه هستی آنها در
آتش ضد انقلابین سوخته و به
تلی از خاکستر تبدیل
شده است، مجبور به ترک محل
زندگی خود شده و آواره روستاها
و شهرهای اطراف ویا کوه ها
شده اند.

رژیم ارتجاعی جمهوری
اسلامی، اگر چه سال قبل، در برابر
اعتراضات همگانی و مقاومت
توده های خلق کرد مجبور به
عقب نشینی شده، اما با ترمیم
ساز و برگ خود، و با استفاده از
جو حاصله از درگیریهای
حزب دمکرات و کومه له گاه و
بیگاه به این سیاست فاشیستی
خود جنگ انداخته است. اما



اطلاعیه

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - کمیته کردستانی
پیرامون سیاست تخلیه و تخریب روستاها
توسط رژیم جمهوری اسلامی

خلق رزمنده کرد!

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!
احزاب و سازمانهای انقلابی و دمکرات ایران و جهان!

رژیم جمهوری اسلامی یک بار دیگر سیاست ارتجاعی کج اجباری اهالی زحمتکش روستاهای کردستان را، با تخلیه و تخریب بخشی از روستاهای مناطق مختلف کردستان آغاز نموده است. رژیم جمهوری اسلامی در ادامه تسلط اجباری اهالی زحمتکش روستاهای کردستان و انتقال پایگاههای مزدوران خود به داخل آنها، سیاست کج اجباری اهالی تمامی روستاهایی را که قادر به کنترل آنها و پیا ایجاد پایگاه در داخل آنها نیست، در پیش گرفته است. رژیم اینک ضمن پیشبرد این سیاست ارتجاعی در بسیاری مناطق، به اهالی تعداد زیادی از روستاهای کردستان اخطار داده است که هرچه زودتر خانه و کاشانه خود را رها کرده، آواره، کوه و دشت گردند.

مزدوران رژیم در کردستان که از یک سال پیش مقدمات اجرای سیاست کج اجباری اهالی روستاهای مقاوم کردستان را فراهم نموده بودند، و در مقابل اعتراضات گسترده خلق کرد مجبور به عقب نشینی موقت شده بودند، و تنها در ضائق معدودی موفق به اجرای این سیاست ارتجاعی گشته بودند، اینک یکبار دیگر در تدابیر سیاست های ارتجاعی دیگر رژیم به عملی کردن این سیاست پرداخته اند. مزدوران رژیم به اخیراً در منطقه مهاباد روستاهای "قرلجه بالا"، "کانی شینگی"، "چومان"، "گرگه" و "نیلان" را به کلی ویران کرده بودند، در چند روز گذشته نیز در منطقه سرشیو سفز عین همین سیاست ارتجاعی را به کار گرفته اند. مترجمین بعد از یک یورش گسترده به روستاهای "سیف" و "پورده" و "نوب" و خمیاره باران سنگین اطراف این دو روستا، با وحشیگری تمام به مردم هر دو روستا اخطار نمودند که هرچه زودتر روستا را ترک نمایند. اما اهالی زحمتکش این روستاها به اولتیماتوم مزدوران وقص نگذاشتند. در مقابل این برخورد اهالی، مزدوران رژیم که بل بیش از یکم خود رو به منطقه آمده بودند، به حاصره این روستاها پرداخته، سپس به دنبال اولتیماتوم خود را عملی ساختند و هر دو روستا را به آتش کشیدند. آنها بعد از این اقدام وحشیانه حتی محبت بیرون آوردن احشام را نیز به اهالی ندادند، و ضمن ادیت و آزار آنها، جلو چشم مردم همه زندگی شان را به آتش کشیدند.

بدنبال این اقدام خائنانه مزدوران، اهالی تعداد زیادی از روستاهای منطقه از جمله "بطام"، "دکاگا"، "شبه تره" و... برای کمک به اهالی سیف و پورده به محل آمدند و مردم آواره این دو روستا را به خانه های خود بردند. اما مزدوران رژیم برای جلوگیری از این کار و در هراس از همنگی مردم زحمتکش منطقه، شروع به بستن جاده مریوان - سقز نمودند.

در این منطقه علاوه بر دو روستای فوق که اینک طعمه حریق گشته اند، مزدوران رژیم اهالی روستاهای "بایر بالا" و "بایر پایین" را نیز تحت فشار قرار داده و مجبور به تخلیه خانه و کاشانه خود نموده اند. به اهالی چندین روستای دیگر از جمله "هفت تاش"، "شیناو" و "سی کوچک" نیز اخطار نموده اند که هرچه زودتر این روستاها را تخلیه نمایند.

مزدوران رژیم عین چنین خطای را قبلاً نیز به اهالی روستاهای ضائق "سیرقاز"، "کورك ۱" و "کورك ۲" از جمله روستاهای "امین آباد"، "حبه و نه وانه"، "عین ملا"، "پیر میکانیل"، "قلات"، "کوشان"، "اصحاب"، "سرهیلان"، "هشت پله بالا"، "هشت پله پایین"، "برایمه"، "حسن چپ"، "به هه ری"، "پیهنگون"، "قلات"، "سارمه"، "کولان"، "مهی دایک کوراق"، "تشفه بالا"، "تشفه پایین"، "کوملیان"، "پلکه"، "سرکرو"، "دولیه مه"، "کارکه"، "قلمنه"، "خاتن استی" و... داده بودند.

ایماد این تخلیه و تخریب گسترده روستاهای مقاوم مناطق مختلف کردستان انقلابی، تنها ورشکستگی سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی در کردستان را آشکار می سازد. این رژیم در بیش از هشتاد سال کشتار و سرکوبگری در کردستان، علیرغم استقرار بیش از دو هزار پایگاه و پادگان بزرگ و کوچک در اقص نقاط این خطه خونین، عجز و زیونسی خود در مقابل اراده خلل ناپذیر خلق قهرمان کرد را با ویران نمودن خانه و کاشانه اهالی زحمتکش روستاها و آواره نمودن آنها به نمایش می گذارد.

خلق رزمنده کرد!

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!
احزاب و سازمانهای دمکرات و انقلابی ایران و جهان!

برای مقابله با سیاست ارتجاعی تخلیه و تخریب روستاهای مناطق مختلف کردستان که هر کدام در صحنه علیه مزدوران این رژیم ارتجاعی است، باید وسیع ترین مبارزه را برای افشای چهره صنفور این رژیم در پیش به پیش برد، و ماهیت ارتجاعی چنین سیاست هایی را هرچه بیشتر در انظار افکار عمومی ایران و جهان افشاء نموده، فریاد اعتراضی همگانی را علیه چنین دامنشی های برانگیخت. و در این راه از هیچ کوششی کتاهه ننهد. این وظیفه کله نیروهای انقلابی است که ضمن افشای ماهیت ارتجاعی چنین سیاستهایی

مکتوبیسم ...

از صفحه ۱

سیاسی گروستان، عملکرد مینشی دارند و با انواع و اقسام مسائل صکن در درد آرایش چهره خورش است، هر چه بیشتر آشکار خواهد ساخت

اگر قرار بود که تنها گفتار احزاب و سازمانها و تحلیل خود آنها از موقعیت و وضعیت طبقاتی خورش را ملاک قضاوت در باره آنها قرار داد و عملکرد مینشی جریانات مختلف را در چنین ازنمایی دخالت نداد، بدون شک کومه له با ادعاهای دور و دراز خود قطب نمایی دموکراسی در گروستان می بود هر چند حتی همین گفتار و نه تنها کردار کومه له و حزب اونیز، در این زمینه هیچگاه چنین توهمی را بر هیچ کس در گروستان بر جای نگذاشته است. مقاله نشریه کمونیت حزب کومه له در این زمینه، بیان گویایی از این واقعیت است. چرا که وضعیت بحرانی کنونی جنبش انقلابی خلق کرد، بیش از آن چهره واقعی هر جریانی را در مواجهه با معضلات کنونی جنبش آشکار نموده است که کسی نتواند در چنین برهه حساسی، پرده سانس بر آن بپفکند و ماهیت واقعی خود را در پشت الفاظ پنهان نماید. اما حزب کومه له در شرایط کنونی تنها با محضل کتمان ماهیت طبقاتی خود روبرو نیست. این حزب تک یاخته، اینک محتاج رنگ آمیزی سیاست های امروز خود نیز هست. سیاست هایی که در شرایط کنونی بعنوان یک پای بحران کنونی عملکرد مشخصی دارد و جایگاه مینشی که تمام تلاش و نه تنها نوشته مورد ذکر بلکه کل ادبیات سیاسی کومه له و حزب او در مکتوبی مخدوش نمودن این عملکرد و ارائه تصویری غیر واقعی از این جایگاه با تمیل به انواع و اقسام شیوه های غیر اصولی و گاه کاملاً منطقی است. کافی است همین نوشته اخیر نشریه کمونیت را به عنوان یک نمونه کوچک در نظر بگیرید. به شیوه برخورد آن با مسائل و نحوه استنتاج احکام صادره در آن را و قبل از همه خود این احکام را مورد دقت قرار دهید.

ببینید به چه شیوه ای و چگونه حزب کومه له در تلاش آن است که با هر وسیله ممکن اسم از تحریف و جعل حقایق در ارنمایی از مواضع دیگران به نتیجه مطلوب خود دست پیدا کند. نشریه کمونیت که در همان سر لوحه ورود به مطلب نامه ما به حزب دموکرات را دارای مطالب "جالب توجه" برای هر کسی خواننده است، بلافاصله این "جالب توجه" بودن این اعلامیه را از نقطه نظر نشریه کمونیت چنین اعلام می دارد:

"این اعلامیه متندی گویاست از ماهیت اپورتونیستی و ضد دموکراتیک مضامین ها ... در قبال جنگ داخلی در گروستان و بلافاصله اضافه می کند: "این اعلامیه گواه تزلزل و ناپایداری گذشته و حال خود اقلیت ... است."

نشریه کمونیت برای آن که بر این احکام صادره در مورد نامه ما جلوه حقیقی بدهد در ادامه مطلب، هم خود را مصروف اثبات این احکام می کند. و درست در همین راستا هم هست که هنر واقعی خود را به نمایش گذارد.

نوشته فاضل نشریه کمونیت، اول این نامه را به عنوان صدها برخورد ما با سیاست های ضد دموکراتیک می گرد و فاتحانه اعلام می کند که این "گرف تازه ای" نیست. "همان ضد دموکراتیسمی است که امروز صلب جنگ داخلی در گروستان است و شما صبر کرده اید تا به تن بدنه سازمانی "تان" مالیده شود تا بالاخره علیه آن زبان به "اعتراض" بکشاید. و قس علیهذا ...

"تصور می کنید که کومه له و شرکا از مواضع ما بی اطلاعند و از تحلیل ما در زمینه علل درگیری های کنونی و سیاست های پشت سر این درگیری ها خبر ندارند و این نامه واقعه اولین برخورد ما پیرامون چنین سیاست هایی بوده است؟

کومه له و شرکا "صلاً" از مواضع ما مطلعند، صلاً" می دانند که ما درباره این ضد دموکراتیسم نه در همین نامه بلکه در تمامی مواضعمان به عنوان عامل اصلی در درگیری های کنونی تاکید کرده ایم و به همین دلیل نیز تمام تلاش خودمان را در طول یک سال گذشته

بی وقته مصروف حصول به قطع درگیری ها از طریق افشای این ضد دموکراتیسم در هر شکل و شطابلی و تثبیت و تحکیم اصول دموکراتیک در این جنبش به کار گرفته ایم.

ولی صاله این است که این تجاها لازمه ادامه بحث نویسنده نشریه کمونیت است. او باید هم برای آنچه که در ادامه مطلبش می خواهد به رشته تحریر درآورد، از چنین مقدمه ای شروع کند. او در ادامه مقاله می گوید: برخلاف شما که در همین نامه خود را "راضی کرده اید" شکوائیه ای علیه حزب دموکرات بنویسید.

ما این ضد دموکراتیسم را، سالب است که صدامان و بیگمراغه افشا کرده ایم و امروز صصانه در جنگی که ادامه همین سیاست و عملکرد ضد دموکراتیک است از حقوق دموکراتیک مردم ... دفاع می کنیم ... در مقابل:

"مکتوب تانکونی اقلیت و این شکوائیه امروزی او خلعت نمای عقب ماندگی و گونه نظری سیاسی است ... (تاکید از ما)

بزرگواری هم حدی دارد آقایان! این که تنها در پیشبرد سیاست های مینشی در جنبش انقلابی خلق کرد "مدامه" و "بیگمراغه" تلاش نموده اید، شکی نیست، ولی برخلاف تصور شما این سیاستها امروز یک روی سکه بحران کنونی جنبش خلق کرد را تشکیل می دهد. دفاع از حقوق دموکراتیک مردم مفهوم و ضمن مشخصی دارد که قبل از هر چیزی، خودش را در مادیات مینشی باید آشکار سازد. این دفاع "جانانه" شما چه محصولی جز همین درگیری هایی که بسیاری از دستاوردهای تانکونی جنبش انقلابی خلق کرد را در معرض تاراج قرار داده است، به کار آورده است. آیا هیچ وقت به سهم خود در ایجاد وضعیت کنونی در طول همین "سالها" فکر کرده اید، حاضرید از موضع یک جریان حدی و مسئول نظری به همین کارنامه پرتنج خود بپندارید. ولی مطمئناً از شما نباید انتظار چنین برخوردی را داشت "عقب ماندگی و گونه نظری سیاسی" تان هیچ گاه به

گزارش

خود، صفحه میاه کده، چنین، جریانی باید بسیار ورشکسته باشد تا مثل حزب کومه له برای رسیدن به نتیجه گیری های دلخواه خود، تحمیل درگیری های خونین گسترده تر بر پیشمرگان انقلابی خلق کردستان را به اصلاحه کشیدن بر روی پیشمرگان اقلیت تغییر دهد و عقب ماندگی سیاسی خود را به حساب دیگران بگذارد. راستی کدام ضافع خرد سازانی کدام حساب سود و زیان است که از یک سازمان مدعی مارکسیست بودن این پدیده "آفتابه" به "جبل" و "عقب ماندگی" و "عجز" را می سازد. دوستان سفید تصور می کنید کسی می تواند این شیوه برخورد شما را "جز به حساب عقب ماندگی سیاسی تان، عجزتان از درک حقایق روشن و ابتدائی و صلح جوئی تان" بگذارد؟ تلاش شما برای "اپورتونیستی" جلوه دادن وضع نامه ما به حزب دمکرات، شما را به چه منجلاهی گشانده است!

اگر به یک نمونه دیگر از این برخورد های "با پرستیج" نظریه کمونیست هم نظریه بیست و نهم برای درک این "عقب ماندگی سیاسی" حضرات، خالی از فایده نخواهد بود.

ما در بخشی از همان نامه به حزب دمکرات به دنبال اشاره به آنچه که بین پیشمرگان ما و مسئولین حزب دمکرات در منطقه بانه روی داده بود گفته ایم که:

"اگر چه اینگونه برخوردهای خصمانه و ضد دمکراتیک مسئولین حزب در منطقه بانه، بی ارتباط و جدا از اطلاعاتی تهدید آمیز دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران (ما با این اطلاعات قبلا در ریگی که ل شماره ۲۸

فروردین ماه ۶۴ برخورد کرده ایم) و گفتارهای رادیکالی آن صحنی پر برخورد های خصمانه به نیروهای انقلابی که به رهبری ابعائی حزب دمکرات در جنبش انقلابی خلق کردستان نمی گذارد، نیست، با این همه، همانگونه که در موارد قبلی نیز مذموم بودن چنین برخوردهای را حضورا به دفتر سیاسی حزب دمکرات تذکر داده ایم، امروز نیز بدین وسیله تذکر می شویم که دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان باید از هرگونه برخورد های خصمانه و فاجعه بار علیه پیشمرگان انقلابی خلق کردستان ضحمله پیشمرگان ما دست برداشته و پیش از این ضطق سیاسی را کنار نگذارد و از تحمیل درگیری های خونین نظامی به نیروهای انقلابی جدا بپرهیزد.

(تاکیدات مجددا و برای شرفهم شدن نویسنده نظریه "کمونیست" شده است.)

و نویسنده "نشریه" نظریه کمونیست که در "تظاهر به جهل" به طولانی دارد، در برخورد به این بخش از نامه ما هم تمام هنر خود را به کار گرفته است گفتار کنید:

"اقلیت ترجیح می دهد صرفا از حزب دمکرات بخواهد که پیش از این ضطق سیاسی را کنار نگذارد و از تهدید درگیری های نظامی خونین به نیروهای انقلابی بپرهیزد. آخر دوستان عزیز... حزب دمکرات "ضطق سیاسی را مدتی طولانی است که کنار گذاشته است."

"آیا این جهل یا تظاهر به جهل" نیست به ضمن همین نقل قول سر و دم برده ای نیست که در نظریه کمونیست آورده

شما چنین اجازه ای را نخواهید داد.

و اما "مکتب تانکونی" صاحب این دیگر سقوط کومه له و شرکا در ورطه دیپلماسی بورژوازی به همان ترین شکل آن است. ما در این زمینه بر آنان خرده نمی گیریم، چون این حضرات برای اثبات مدعای خود نیازمند چنین ترهائاتی هستند، ولی و حالت تر از همه این نویسنده تلاش های نویسنده نظریه کمونیست در گمان حقایق سعی آن در تبدیل نامه ما به حزب دمکرات به یک "شکوائیه" خصوصی است، تا آن را "خلت نما" سازد و به دنبال آن هر چه در چفته دارد، بیرون بریزد. به این ترفند ضرورانه نویسنده دقت کنید.

"اقلیت می نهد" تکرار چنین اتهامی (یعنی اصلاحه کشیدن بر روی پیشمرگان اقلیت) نمی تواند جدا از سیاست های عمومی ای باشد که رهبری حزب دمکرات مدتهاست در پیش گرفته است.

(تاکید از ما)

خوب دقت کرده ایم. ما گفته ایم که اصلاحه کشیدن به روی پیشمرگان سازمان ما نمی تواند جدا از سیاست های عمومی رهبری حزب دمکرات باشد. ولی آیا ما فقط این شکوه خصوصی را کرده ایم یا نویسنده "فاضل" نظریه کمونیست دلش می خواهد ما چنین بگوئیم: برای روشن شدن صاله عین همین قیمت نامه را از همان کلبه چاه شده در نظریه کمونیست می آوریم.

"روشن است تکرار چنین اعمال رفت انگیزی و تحمیل درگیری های خونین گسترده تر بر پیشمرگان انقلابی خلق کردستان آیا مفهوم این عبارت اصلاحه کشیدن به روی پیشمرگان اقلیت است؟ ما نمی تواند جدا از سیاست های عمومی باشد که رهبری حزب دمکرات کردستان مدتهاست در پیش گرفته است.

(تاکید از ما)

تصویر را بکنید که به یک جریان سیاسی در مباحثات خود با نیروهای دیگر با دست بردن حتی در عبارات آنها، موضع مورد نظر خود را از این یا آن نوشته آنها بیرون بکشد و صحن با جنگ انداختن بر همین دست پخت

در نسخه مورد استفاده نظریه کمونیست از نامه ما به حزب دمکرات "اشباها" به جای تحمیل، "توطئه" چاپ شده است و غیرم آنکه نسخه اصلی این نامه به رهبری کومه له قبلا ارسال شده بود و نیز در خود آن نسخه مورد استفاده نظریه کمونیست چند سطر باین تر همین تحمیل درگیری ها تکرار شده است، ولی نویسنده "نظریه کمونیست" ترجیح داده است از همان "تهدید" استفاده نماید، لیکن مادر این زمینه اصلی را بر عدم اطلاع می گذاریم و بدین وسیله ایشان را به نسخه اصلی ایمن نامه مندرج در ریگی که ل شماره ۳۳ شهریور ماه ۶۴ ارجاع می دهیم.

کتاب و یادداشت

شده است؟ اگر حزب دمکرات "مدنی-طولانی" نبود که "منطق سیاسی را کنار گذاشته" دیگر نیازی به آوردن بیش از این نبود. کافی بود گفته شود که "منطق سیاسی را کنار نگذارید" دیگر از تحمیل درگیری های خونین نظامی به "نیروهای انقلابی" صحبت نمی شد - درست به همان گونه که باب میل شما در این برخورد نیز هست - گفته می شد به پیشمرگان ما "یا به ما و نه نیروهای انقلابی" ولی ساله نمونده "نشریه کمونیست این حرفها نیست او همش را جزم کرده است که نشان دهد، نامه ما به حزب دمکرات "گواه تزلزل و ناپیکیری" است، يك "شکوائیه" است در این راه اگر لازم باشد او حتی از قب ضاهیم هم ابائی ندارد چنانکه چنین نیز کرده است. والا بر هیچ کس پیش نه نیست که تمامی تلاش جنبش انقلابی بر این بوده و هست که همین منطق "نظامی-حاکم بر ضامیات حزب دمکرات و کوسله را مشوق ساخته"، "منطق سیاسی" را جایگزین این شیوه از پیشبرد اختلافات سازد. و اگر... نمونده کوسله و سازمان او هم حداقل سرمشی به سیاستها و شعارهای خود پای بند بودند، می توانستند درک کنند که آتش - پس قوری و بدون قید و شرط، فقط بر اساس امکانپذیر بودن چنین منطقی که منطبق بر ضرورت این مرحله از رشد جنبش نیز هست، مطرح می شود. شعاری که در طول يك سال گذشته، خواست عمومی توده های زحمتکش خلق کرد نیز پیورده و هست. ولی حتما کوسله و حزب او، تکرار اینگونه شعارها را يك بازی و مزاحکه می دانند، نه رهنمونی برای عمل و اتخاذ سیاستی منطبق با ضروریات جنبش. به نظر کوسله و حزب او هر کسی که بر ضد دمکراتیک بودن سیاستهای حزب دمکرات اذعان کرد باید قطعاً در کنار سیاست تعرضی مقابل کوسله قرار گیرد و عملاً

وارد کودزور آزمائی بر سر سرنوشت جنبش خلق کرد گردد و از فیض این تقسیم فنانم دو جریان ناسیونالیست که هر کدام به نوعی تلاش می کنند این سرنوشت را به قسای تن خود گره بزنند، بی نصیب نماند.

از همین رو نیز ساله نمونده "نشریه کمونیست از این که حزب دمکرات منطق سیاسی را مدتی طولانی است کنار گذاشته است" صلاً نه عدم درک ساله، بلکه بل زدن به نتیجه گیری های دلخواه خویش است. او در تلاش اثبات حقانیت سیاست های انارشیستی حزب خود از هیچ کاری فروگذار نمی کند، شیوه برخورد منطقی که سرتاسر همین نوشته کوتاه اما نمونه وار "نشریه کمونیست" از آن است. از این نمونه شیوه برخورد های نموده "نشریه کمونیست برای مبارزه به طلب خود که بگذریم، "جالب توجه" ترین بخش مقاله "نشریه کمونیست" را آن بخشی از استدلال های آن تشکیل می دهد که هم آن مصروف این امر گفته است که ثابت کند این نامه "سنجی گواست از ماهیت... در دمکراتیک" مزاحم گیری ها در قبال جنگ داخلی در کردستان. استدلال کوسله و شرکا در این زمینه جالب تر از همه است. درست همین بخش از نوشته "نشریه کمونیست" هم هست که نشان می دهد چرا نمونده این "نشریه" اینقدر به خود پیچ و تاب داده است و چرا این اعلامیه "ضد دمکراتیک" است؛ به استدلال های کوسله و شرکا در این زمینه گوش بدهید تا ریز این ضد دمکراتیکم بیشتر روشن شود.

این اعلامیه نشان می دهد که سرنوشت دمکراسی در کردستان از کوسله جدا نیست، که امروز حاکم دمکراتیکم هر نیرو درجه پشتیبانی آن از کوسله در برابر حزب دمکرات است، که هر گروه سیاسی، اگر واقعا "مدافع آزادی و دمکراسی است..." باید خود را بی هیچ ابهامی در کنار کوسله قرار دهد (تاکیدها از ما)

توجه کردید، این تنها حزب دمکرات نیست که می خواهد بر رهبری او گردن بگذارد. بر مقابل تحولات و تهدیدات آن سر فرود آورده، این کوسله است که میزان پشتیبانی از خود را، ملاً دمکراتیکم قرار داده است، این کوسله است که سرنوشت دمکراسی در کردستان را به سرنوشت خودش پیوند زده است، درست به همان شیوه صادره به مطلب حزب دمکرات که جنبش خلق کرد را در خود و سیاست های ضد دمکراتیک خود خلاصه کرده است. اشتباه نکنید این کوسله "مدافع دمکراسی" (!؟) است، که می گوید:

"حمایت بی قید و شرط از کوسله خود بهترین و عینی ترین ملاک برای قناعت دانسته دمکراتیکم و عشق انقلابیگری هر سازمان و جریان سیاسی این زمین است..." از همین جا هم باید فهمید که چرا نمونده "نشریه کمونیست" این چنین طلبکارانه می گوید: "اقلیت [در نامه خود] ترجیح می دهد نامی از کوسله نبرد نامی از این جنگ (درگیری) او با حزب دمکرات نبرد."

واقعا جای عیانیت دارد که تنها "حمایت بی قید و شرط" از کوسله نکرده است، حتی "نامی از کوسله" هم نکرده است. پس طبیعی است که در نرازویی خود و زبان این "بهترین و عینی ترین ملاک" "حمایت بی قید و شرط از کوسله" "بهترین کار این اقلیت" چه اسم و عنوانی می توان نهاد وقتی که "دلالت دمکراتیکم آن این قدر از این جنبه تنگ است که به جملاتی "حمایت بی قید و شرط" "حتی حاضر نمی شوند نام کوسله" را هم ذکر کنند چه جای شبهه ای باید در "ضد دمکراتیک" بودن آن داشت، و انقلابیگری آن چه "عشق" می تواند داشته باشد. ولی معلوم نیست چرا در این مورد آخری کوسله و شرکا فراموش کرده اند، قوا را در غفلتند.

بلخ درستان عزیز! اگر "راضی دمکراتیکم" که شما برای آن "سازده" می کنید همین قدر باشد و "عشق" انقلابی - گری شما در این سازده تا این حد، حق با شماست، باید هم از

اخبار جنبش توده‌ای



اعتراض به این عمل ارتجاعی بطور یکپارچه در جلوپادگان بمبئی تجمع نموده و دست به تحمین زدند. خواستار آزادی دستگیر شدگان گشتند.

مزدوران از ترس گسترش اعتراض اهالی از محنتین می‌خواهند تا برانگنده شوند. اما اهالی همچنان بر خواست خود پسی نشسته و بر اعتراضات خود ادامه می‌دهند.

در این منطقه کردهای آواره عراقی که به شهرهای کردستان مراجعه نموده اند، از سوی مزدوران تحت فشار سیاست تسلیم اجباری قرار گرفته اند. مزدوران از آنها خواسته اند که صلح شده و به جبهه های جنگ ایران و عراق بروند. آوارگان عراقی که متضرر از این چنین سیاست هایی هستند، به خواست مزدوران تن نداده و قریب به ۳۵ خانواده از آنها برای نجات خود از زیر فشار مزدوران به مناطق تحت کنترل پیشمرگان روی آورده اند.

مربوان

مزدوران رژیم در زمینه اجرای سیاست تسلیم اجباری به هر حربه ای از جمله آزار و اذیت اهالی روستاها متوسل گردیده اند. و از همین طریق هم

اعتراضات توده‌ای علیه

تسلیم اجباری

سندج

در اثر ضربات کوبیده پیشمرگان انقلابی، مزدوران درمانده، تلاش زیادی نموده اند تا با توسل به سیاست تسلیم اجباری زحمتکشان این منطقه را تحت فشار قرار دهند. در همین رابطه زحمتکشان مناطق "کلانترزان" و "واوه رود" برای تسلیم اجباری و قرار گرفتن در خدمت سیاست رژیم بعنوان سرباز پاسدار تحت فشار و آزار قرار گرفته اند و تعدادی از جوانان زحمتکش با زور وادار به تسلیم شده اند.

پیرانشهر

در ادامه اجرای سیاست تسلیم اجباری مزدوران رژیم عده ای از اهالی روستای "سزگانی" را بازداشت و زندانی نمودند. در تاریخ ۶۴/۸/۲۰ اهالی روستا اسم از آن روستا به دست و جان دادند.

بود که موفق شدند عسکری از زحمتکشان روستای "وله ژیر" را وادار به تسلیم اجباری نمایند. این افراد کیمه روستای "سیانو" برده شده بودند. در آنجا جهت نگهداری و کار می‌شورد استفاده قرار گرفتند. سپس از طریق افراد مسلح شده کیمه حاضر می‌شوند در خدمت سیاست های ارتجاعی رژیم قرار داشته باشند. طی یک حرکت اعتراضی مقرر و پایگاه مزدوران را ترک کرده و حاضر نشدند. مجدداً به "سیانو" برگردند.

مزدوران که بارها با اعتراض افرادی که اجباراً وادار به تسلیم شده بودند، روبرو گشتند، هر بار سعی کردند تا با فریب و حيله از پاسخگویی به خواست آنها سرباز زنند که بالاخره این افراد، در پایان صیقلی کیمه مزدوران رژیم تسلیم داده بودند بعد از پایان آن صلاحها را تحویل بگیرند و به قول خود عمل نکرده بودند، برای همیشه مقرر و پایگاه مزدوران را در "سیانو" جا گذاشته و حاضر نشدند به آن محل بروند.

مزدوران رژیم در تداوم سیاست خود به منظور دستگیری اهالی روستاها، هر شب یورش جدیدی را آغاز می‌کنند. و از جمله در یورش به روستای "وله ژیر" ۱۱ نفر از زحمتکشان این روستا را بازداشت نموده اند.

همچنین زحمتکشان روستای "وله ژیر" که به مدت ۶ ماه مجبوراً تسلیم شده بودند، پس از پایان موعد مقرر در مقابل خودداری رژیم از پس گرفتن صلاحها بطور یکپارچه دست به اعتراض زده و سرانجام موفق شدند صلاحها را به رژیم باز پس دهند.

بعد از این اعتراض دستجمعی، مزدوران رژیم دوباره به منظور صلح نمودن تعداد دیگری از اهالی این روستا، دست بکار شدند و با مشخص کردن ۳۵ نفر، از آنها خواستند که اسلحه رژیم را بردارند. زحمتکشان در مقابل این خواست مزدوران دست به اعتراض زدند. با این وجود رژیم در یورشهای شبانه خود تاکنون موفق شده است که ۱۱ نفر از اهالی روستای "وله ژیر" را دستگیر نماید و به ۷ نفر از آنها سلاح تحویل دهد.



اخبار جنبشی توده‌ای

در تاریخ ۱۴/۸/۱۰ به دنبال اینکه اهالی روستای وشک‌لان در برابر خواست مزدوران صبی بر تسلیح اجباری اعتراض نمودند، مزدوران به این روستا هجوم برده و ۲ نفر از اهالی را مورد ضرب و شتم قرار دادند. مردم روستا نسبت به این حرکت مزدوران دست به اعتراض زده و با حمله به مزدوران آنان را وادار به عقب نشینی می‌کنند.

در ضمن ۴ نفر از افراد پزور مسلح شده روستای کوره یره منطقه کوماسی که در جریان تخریب پایگاه مزدوران توسط پیشمرگان، اسیر شده بودند و در زندان بصری بودند، پس از آزادی توسط پیشمرگان از جانب مزدوران دستگیر می‌شوند و پس از شکنجه و آزار یکی از آنها توسط مزدوران بطور وحشیانه ای اعدام می‌گردد و ۳ تن دیگر در زندان رژیم باقی مانده‌اند.

سقف

در تاریخ ۲۳ / مهرماه مزدوران رژیم که جهت اجرای سیاست تسلیح اجباری به روستای "کنده لان" رفته بودند توسط زنان زحمتکش این روستا مورد هجوم قرار گرفته و طی این حمله اهالی خودروهایی آنان را با سنگ و چوب درهم منی شکنند. مزدوران در برابر اعتراض اهالی اقدام به تیراندازی می‌کنند که یکی از زنان مجروح می‌گردد.

همچنین در حرکتی مشابه، زنان زحمتکش روستای بوبکشان بعد از اطلاع از ضد مزدوران رژیم جیت ورود به روستا، مسیر حرکت آنان را سد نموده و سرانجام با اعتراض و ایستادگی خود مزدوران را وادار به عقب نشینی می‌کنند.

زحمتکشان روستاهای طاهرینده، کنده لان، بوبکشان، در اعتراض به سیاست‌های سرکوبگرانه مزدوران و امتناع از پذیرش خوارکننده آنان این روستا را تخریب کرده و به راه روستاهای اطراف پناه برده‌اند.

ربط

مزدوران رژیم در ادامه سیاست ارتجاعی تسلیح اجباری، زحمتکشان چند روستا را در منطقه میدان چوقه تحت فشار قرار داده تا با صلح شدن در خدمت سیاست‌های ضدانقلابی رژیم قرار گیرند. تا کنون اعمال این سیاست توأم با شیوه‌های رزولانه صورت گرفته و از جمله مزدوران بمنظور تشدید فشار خود از رفت و آمد اهالی روستا به شهرها جلوگیری به عمل آورده‌اند.

بانه

در منطقه بانه اهالی روستاهای "پین یا پین" و "گوزلی" در مقابل فشار مزدوران برای اجرای سیاست تسلیح اجباری دست به اعتراض زده و تن به خواست مزدوران رژیم نداده‌اند.

مزدوران رژیم همچنان در ادامه سیاست تسلیح اجباری در تاریخ ۱۴/۸/۲ به اهالی روستاهای "کندان"، "کانی زینه"، "کوپره کوپره"، "قاره مان"، "قلندر"، "بویکشان"، "سید آبار"، "شیخ چوپان" و "طاهرینده"، فشار آورده‌اند تا بلکه اهالی این روستاها را صلح نمایند. اما زحمتکشان این روستاها یکپارچه در مقابل خواست مزدوران و سیاست‌های سرکوبگرانه آنها دست به اعتراض زده‌اند و اعلام نموده‌اند که حاضر نیستند به این سیاست رژیم تن دهند. اهالی این روستاها بعیت فشار و ازیست مزدوران آواره شده و خانه و کاشانه خود را ترک گفته‌اند.

در این اواخر نیز مزدوران به زحمتکشان روستای "ضامن آوا" فشار آورده‌اند که صلح شوند. زحمتکشان ضمن اعتراض، از هرگونه تن دادن به این خواست سرکاز زده‌اند.

اعتراضات توده‌ای علیه

سربازگیری اجباری

طی ماههای اخیر ضماقت تبلیغات جنگی از سوی رژیم منی بر کمپین‌های نظامی در جبهه‌های جنگ، موج وسیعی از اقدامات ارتجاعی سربازگیری اجباری، بیج‌گیری جوانان و اعزام آنان به جبهه‌ها، شهرها را فراگرفت.

رژیم برای جبران کمبود نیروی انسانی که در اثر شکنجه‌های بی درستی، پنجو محسوسی گردانندگان این جنگ ارتجاعی را با مشکل روبرو ساخته، علاوه بر اعزام گروه‌های مختلفی از جوانان به مراکز نظامی و جبهه‌ها، تلاش نمود تا توده‌های مردم را به تکن در برابر سیاست جنگی خود وادار نماید.

در کردستان نیز رژیم بر شدت سیاست سربازگیری اجباری افزود و همچون گذشته با یورش به روستاها و کنترل نظامی جاده‌ها و محل تردد مردم در فواصل شهرها، اقدام به دستگیری جوانان و اعزام آنها به یارگانها نمود. اخبار زیر مربوط است به گوشه‌هایی از اقدامات مزدوران رژیم در مناطق روستایی کردستان، اعتراضات دسته جمعی اهالی زحمتکش روستاها و آبراز تنفر نسبت به سیاست‌های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی.

مهاباد

روز ۱۴/۷/۲۱ مزدوران با نیروی مسلحی روستاهای "مقرب آباد"، "جوغان لور"، "حیران"، "دی سروران" و

"تیره ش"، "قه‌لا"، "حمود آباد" و "ضاک آباد" را مورد حمله قرار می‌دهند و این روستاها را به محاصره خود در می‌آورند. هدف مزدوران

☆ اخبار جنبش توده‌ای

از این حمله سربازگیری اجباری، دستگیری جوانان و روانه ساختن آنها به جبهه‌های جنگ بوده. مزدوران با ضرب و ختم اهالی این روستاها موفق می‌شوند عده‌ای از جوانان را دستگیر نمایند و افراد دستگیر شده را به شرکت حسین آباد مانند و آب منتقل کرده و در تاریخ ۶۴/۷/۲۴ آنها را به ارومیه روانه می‌کنند تا از آنجا روانه جبهه‌های جنگ ایران و عراق گردند.

مزدوران در تاریخ ۶۴/۷/۲۱ به منظور سربازگیری با نیروی زیادی به روستاهای منطقه "چوم مجید خان" یورش برده و بعد از محاصره روستاها با تفنگ و خانه گردی در صدد دستگیری جوانان بر می‌آیند.

این عمل مزدوران با اعتراض زحمتکشان روستاهای این منطقه روبرو شده و در روستاهایی چون "سرجنار"، "حاجی لک"، "خان کندی"، "قره‌گول" و "ده وه شاره" اعتراضات اهالی بحدی رسید که منجر به درگیری با مزدوران شد که طی آن حدود ۵۰۰ نفر از جوانان کشته شدند و در حین درگیری، مزدوران از پایگاههای اطراف تقاضای نیروی گکی داشتند. در روستای "حاجی لک" پس از مراجعه نیروی گکی همچنان اعتراضات اهالی ادامه یافت.

مزدوران که در برابر اعتراضات و خشم زحمتکشان عاجز و ناتوان مانده بودند، برای جبران شکست مفتضحانه خود در مبارزه با سیاست ارتجاعی سربازگیری اقدام به تیراندازی نمودند که در نتیجه این عمل ارتجاعی مزدوران یکی از اهالی بیدفاع بنام محمد آینه بالکی به شهادت رسید.

با این وجود مزدوران رژیم موفق به تحمل سیاستهای ارتجاعی خود به اهالی این

منطقه نگریدند زحمتکشان روستاهای منطقه "چوم مجید خان" برای چندمین بار ثابت کردند که حاضر به تمکین در برابر رژیم نبوده و نیستند و رژیم با توسل به هیچ حربه جنایتکارانه‌ای قادر به درهم شکستن اراده توده‌های خلق کرد نیست.

بوکان

مزدوران رژیم در شهر بوکان و روستاهای اطراف در ایام گذشته ای دست به سربازگیری اجباری زده‌اند، بطوریکه با توسل به آزار و اذیت، تاکنون حدود ۵۰۰ نفر از جوانان زحمتکشان این شهر و روستاهای اطراف آن را دستگیر کرده‌اند.

زحمتکشان روستاهای منطقه فیض‌اله بیگي نیز در رابطه با سیاست ارتجاعی سربازگیری تحت فشار و اذیت و آزار قرار گرفته‌اند.

مزدوران برای دستگیری و بدام انداختن جوانان این منطقه شهاباً به روستاها هجوم می‌برند و روستاها را به محاصره خود در می‌آورند و به دستگیری جوانان می‌پردازند.

این اقدام مزدوران از سوی جوانان و اهالی روستاها با اعتراض و روبرو شده است. مزدوران بغیر از ۵۰ نفر از جوانان که در روستای "آلوند" و "قاره آوا" دستگیر نبوده‌اند، در بقیه روستاهای این منطقه ناموفق بوده و قبل از هجوم بروستا، جوانان با هوشیاری از دام آنان گریخته‌اند.

اشنویه

مزدوران رژیم با اعمال فشار بر اهالی زحمتکشان روستاهای منطقه اشنویه از جمله "تروانه"، "دو تنک"، "لورگان"، "گلای" و "شیره پیرو" در منطقه "نه لاس" از آنها خواسته‌اند تا جوانانشان را برای اعزام به سربازی آماده نمایند. زحمتکشان این روستاها با اعتراضات خود، هیچگونه اختیاسی به خواست مزدوران نکرده‌اند.

سنندج

مزدوران رژیم پس از شکست سیاست‌های ارتجاعی خود در زمینه بسیج و سربازگیری اجباری در روستای "پاینجو" منطقه "برپله مارال" در تاریخ ۶۴/۷/۲۷ بار دیگر مردم این روستا را زیر شکنجه و آزار قرار دادند. اهالی بر پاسخ خود به مزدوران یابی فترده و بازهم طرح کردند که "ما به سربازی نمی‌رویم".

مزدوران که در برابر اهالی عاجز و ناتوان مانده بودند، اقدام به دستگیری یکی از اهالی می‌نمایند که در اثر اندامه اعتراض زحمتکشان و تجمع آنان در مقابل پایگاه مزدوران فرد دستگیر شده را آزاد می‌کنند. دو روز بعد حدود ۳۰۰ نفر از اهالی این روستا به عنوان اعتراض نسبت به این سیاست مزدوران به شهر سنندج رفته و با تجمع در جلوسوی استانداری اعلام می‌دارند که "حاضر نیستیم به سربازی برویم". مزدوران در جواب به مردم خشکین و متعترض به آنها می‌گویند که تا سه ماه دیگر کسی با شما کاری نخواهد داشت.

سقز

مزدوران طی چهار روز حوالی (۱۹ تا ۲۲ آبان) در شهر سقز و روستاهای حوالی اقدام به سربازگیری اجباری نمودند.

مزدوران با ایجاد پست‌های بازرسی در جاده‌های اصلی فواصل شهرها و کنترل وسایل نقلیه به بازرسی صافترین می‌پردازند و اقدام به دستگیری جوانان می‌کنند.

در روستاهای حوالی شهر از جمله "آخکند"، "یازی بلاغی"، "قاره آوا"، "آلوند"، "سرجاوه" و چند روستای دیگر در منطقه "تیلک" بعد از محاصره آنها عده‌ای از جوانان را دستگیر نمودند. شدت این دستگیری‌ها بحدی بود که در برخی موارد از یک خانواده ۳ نفر توسط مزدوران دستگیر شده‌اند. زحمتکشان در شهر و



اخبار جنبش توده‌ای

روستا نسبت به این اقدام ارتجاعی دست به اعتراض زده اند. عده‌ای از اهالی شهر مقز با تجمع خود نفرت و ازبجاریان را به نمایش گذارده اند.

ربط

چندی پیش نیز جاشهای مستقر در شهرک ربط با فروش خود به روستای "اشقل" هر از عصری خود به عنوان پیشمرکه به یکی از خانه‌های این روستا، صاحب خانه را مورد ضرب و شتم قرار داده و با فشار جلفی از آنها می‌گیرند.

مزدوران مستقر در ربط با هراس همیشگی از تعرض پیشمرگان انقلابی اقدام به سرکشی در مسیر تردد اهالی کرده‌اند که در اثر انفجاری از این من ها زحشکی پایش را از دست راباست.

سیاست آزار واذیت زحمتکشان

شانه ترس و ترسویی مردم

در مقابل

جنبش انقلابی خلق کرد است

ارومیه

طی ماه گذشته در این منطقه همچنان توده‌های بیدفاع خلقی کرد از سوی مزدوران جنایتکار رژیم تحت آزار و اذیت شدید قرار داشتند. در ادامه سیاست بغایت ارتجاعی رژیم منی بر تخریب روستاها و آواره نمودن ساکنین آنها، جاشهای مزدور و پاسداران ضد خلقی انبارهای علوفه ذخیره زمستانی روستاهای "خیکو"، "ابی" و "کاسی" را به آتش کشیدند. فشارهای مزدوران سبب گردیده است تا اهالی بناچار احشام خود را که ضعیف درآمد و امرار معاش آنها می‌باشد فروخته، روستای خود را تخلیه کرده و آواره شهرها و روستاهای اطراف گردند.

گورانه "پوروش" بوده بودند، در اثر مقاومت و اعتراض یکپارچه اهالی از روستا بیرون رانده شدند و در اثر یورش مزدوران در تاریخ ۲۴/۸/۲ یک جوان از اهالی روستای "بی" به شهادت رسید. همچنین در منطقه "مرگور" نیز مزدوران از اهالی روستای "قاسر" بنام پیشمرکه پول اخاذی نمودند.

در تاریخ ۲۴/۸/۱۸ جاشهای مستقر در روستای گردوان با پرتاب ۲ نارنجک ۲ نفر تراکور اهالی ۳ نفر از سرشیمان تراکورها را جرح ساختند.

بانج

در تاریخ ۲۴/۸/۱۲ روستای "شه‌دیان" توسط مزدوران مستقر در پایگاه "منجیلان" هدف آتش توپ و خمپاره قرار گرفت که در نتیجه آن یک زن حامله شهید و ۱۰ تن دیگر نیز زخمی شدند.

همچنین چند روز پیش مزدوران رژیم به محض اطلاع از عدم حضور پیشمرگان انقلابی در منطقه "خیل‌ره" با بسیج نیرو به روستاهای "کیوه‌رو" و "گله‌سوره" یورش آورده و به آزار و اذیت زحمتکشان این روستاها پرداختند. که در نتیجه این عمل ضد خلقی یک نفر از اهالی روستای "گله‌سوره" جان خود را از دست داد.

در ۲۷ مهرماه نیز روستای "گورانه" مورد یورش جاشها قرار می‌گیرد. در اولین ساعات شب در اثر درگیری بین خود مزدوران ۲ جاش زخمی می‌شود. مزدوران روز بعد با واداشتن اهالی به تجمع، به آزار و اذیت آنها می‌پردازند. مزدوران به مردم می‌گویند که از داخل روستا بطرف آنها تیراندازی شده است و با همین بهانه چند تن از جوانان را دستگیر و با خود می‌برند.

همچنین جاشهای منطقه "ترگور"، زحمتکشان این منطقه را جهت اخاذی مورد فشار قرار داده‌اند. جاشها که بقتل گرفتن پول به روستاهای

مزدوران رژیم در تاریخ ۲۴/۸/۱۶ یک نفر زحمتکش را بطرز فجیعی به شهادت می‌رسانند.

همچنین ضمن آزار و اذیت زحمتکشان شهر "مرگور" سرکشی، دست به سران کردن اقلبای احشام آنان می‌زنند.

در تاریخ ۲۴/۸/۱۳ مزدوران در محلهای تردد این روستا اقدام به سرکشی می‌نمایند. عده‌ای از زنان زحمتکش همین برگشت از کار روزانه به محض اینکه ضوجه من هاشی شوند، علیه مزدوران اعتراض می‌کنند. مزدوران به اهالی اسلام می‌کنند که کسی حق رفت و آمد و خارج شدن از روستا را ندارد! روز بعد چند مرد زحمتکش که یکی از آنها اهل روستای "گندمان" بود و قصد ورود به روستا را داشتند از طرف مزدوران دستگیر می‌شوند و به سرکشی برده می‌شوند.

روز ۸/۱۵ زحمتکشان این روستا که با نفرتی عمیق و خشمی انباشته شده، در داخل روستا تجمع کرده بودند تصمیم می‌گیرند بر علیه مزدوران اعتراض نمایند. اهالی با اعتراض به فشار و اذیت و آزار و محاصره به طرف یکی از مقرهای مزدوران در داخل روستا به حرکت در می‌آیند و سرانجام موفق می‌شوند با واداشتن مزدوران به عقب نشینی روستا را از محاصره آنها در بیاورند.

☆ اخبار جنبش توده‌ای

پیرانشهر

در تاریخ ۲۴/۸/۶۴ مزدوران رژیم پس از تحمل ضربات کاری از پیشمرگان، حین عقب نشینی از مسیر جاده پیرانشهر - سردشت و حشیانه به سوی چند نفر چوپان تیراندازی می‌کنند که در نتیجه این عمل و حشیانه یکی از آنان به شهادت می‌رسد.

مریوان

مزدوران گروه ضربت در روستای دگاکا به سوی مردم تیراندازی می‌کنند و یک نفر را به شهادت می‌رسانند. اهالی زحمتکش روستا در مقابل این عمل جنایتکارانه دست به اعتراض می‌زنند. مزدوران برای جلوگیری از گسترش اعتراض اهالی و نجات خود از خشم و کین آنها پیشمرگانه این عمل را به پیشمرگان انقلابی نسبت می‌دهند.

سنج

مزدوران رژیم در روستاهای هاله دره بالا و هاله دره پایین دست به غارت و چپاول زحمتکشان زده و تلاش نمودند این عمل ارتجاعی خود را به پیشمرگان انقلابی متبیب نمایند.

مزدوران رژیم در روستای هاله دره بالا و هاله دره پایین دست به غارت و چپاول زحمتکشان زده و مذبوحانه گوشیدند که پیشمرگان انقلابی را حاصل این سیاست‌های ارتجاعی قلمداد نمایند. اما زحمتکشان این روستاها با آگاهی از ماهیت ارتجاعی مزدوران رژیم بدون کسری و احتیاطی به تبلیغات ضد انقلابی آنان با کینه و نفرت به اینگونه اعمال مزدوران می‌نگرند.

مهاباد

مزدوران رژیم برای تحمل ضربات پیشمرگان خلقی کمر در میان آمدن آباد طرز و زهای

۶ و ۷ آبانماه سال جاری و حشیانه این روستا را به توپ و خمپاره بستند که در نتیجه ۲ زن زحمتکش این روستا مجروح گردیدند.

لازم به ذکر است که در بهت و یکم مهرماه نیز مزدوران معروف به گروه ضربت، متفر در روستای دارلک به روستای قم قلعه در منطقه شاربوران مهاباد یورش بردند و به آزار و اذیت اهالی روستا پرداختند که در جریان این عمل یک زن زحمتکش مجروح گردید. زحمتکشان نسبت به این رفتار ضد خلقی دست به اعتراض زده و خشم و نفرت خود را به نمایش گذاردند.

صدتی است که جاشهای منگور که اکثر اقا و اقوالهای منطقه منگور هستند، با اتکا به مزدوران صالح رژیم مذبوحانه در تلاشند تا مجدداً بتوانند با احیای بساط ظلم و ستم خود و خانقاهی در این منطقه کسب سلطه نمایند. در همین رابطه اهالی روستاهای منطقه را نیز فشار قرار داده و از زحمتکشان طلب پول، گوسفند و جریه‌های متعدد را دارند.

در این روزها نیز این مزدوران در روستاهای سرانسه، محمود آباد، حسن چپ، بیچگون، موسی دایک، کوزراو، زیوه، که و سدر و... جلفی نزدیک به ۲۵۰/۰۰۰ تومان و تعدادی احشام از اهالی بغارت برده‌اند، اهالی ۱۳ روستای این منطقه جهت اعتراض به این اقدام مزدوران، به فرمانداری شهر مهاباد رفته و با اعتراض خود از مقامات خواستند تا به این اعمال بددشانه رسیدگی گردد. فرماندار مزدور که خود از همدمان جاشهای می‌باشد، با بی اعتنائی از هر گونه پاسخ به زحمتکشان طفره رفته است.

بدنیال شکست خفجانه مزدوران در روستاهای کوخان، بیچگون و لوج در تاریخ ۱۸/۸/۶۴ مزدوران برای جبران این شکست، منطقه را به طرز و حشیانه‌ای به توپ و خمپاره می‌بندند که در نتیجه این عمل و حشیانه در ارتفاعات روستای

"گولیان" یک جوان اهل روستای "خانقا" به شهادت می‌رسد.

در تاریخ ۲۴/۷/۶۴ مزدوران رژیم یک نفر از اهالی روستای برده ره‌شان را که هشت روز قبل دستگیر نموده بودند پس از شکنجه و آزار و حشیانه اقدام نمودند.

اشنویه

مزدوران رژیم روستای "روستک" را با توپ و خمپاره و کاتیوشا کوبیدند و خسارات زیادی به زحمتکشان این روستا وارد گردید. سپس مزدوران و حشیانه به داخل روستا یورش برده و دست به غارت اشیاء قیمتی و پول اهالی زدند.

در تاریخ ۲۵/۷/۶۴ نیز مزدوران یک چوپان اهل "سیاوا" را دستگیر و بخت او را آزار و اذیت دادند. در ۲۸/۷ نیز دختران و زنان روستای "دلو" که بسیاری دوشیدن حیوانات خود می‌رفتند، مورد تیراندازی مزدوران قرار می‌گیرند. در روز ۲۷/۷ نیز در اثر تیراندازی جاشهای متفر در پایگاه "زبی" یک پسر بچه مجروح می‌گردد. در ۲۹/۷ نیز انبارهای علوفه ذخیره زمستانی روستای "ناری" توسط مزدوران به آتش کشیده می‌شود که برای توجیه این عمل جنایتکارانه مزدوران طبق معمول این عمل خود را به پیشمرگان نسبت می‌دهند.

در یکم آبانماه جاشهای مزدور با یورش به روستای "شیرانه"، و حشیانه به ضرب و شتم مردهای اهالی این روستا می‌پردازند. زنان و دختران روستا در مقابل این اعمال دست به اعتراض می‌زنند و به‌علیه رژیم شعار داده و به درگیری با مزدوران می‌پردازند. که در نتیجه ۲ جاش مزدور خلع سلاح می‌گردند. مزدوران برای نجات جان خود اقدام به تیراندازی می‌کنند که در اثر آن یک نفر از اهالی مجروح می‌گردد. با اوج گیری اعتراضات، مزدوران پا به فرار گذاشته از روستای مذکور خارج می‌گردند.

همچنین روز بعد در روستاهای "خان لور" و "سه زه"

☆ اخبار جنبش توده‌ای

«عالمبار» مزدوران که برای جبران ضربات محفل شده از سوی پیشمرگان به این روستاها یورش آورده بودند اهالی این روستاها را بشدت مورد انزیت و آزار و شکنجه قرار دادند.

در تاریخ ۶۴/۸/۸ جانها

و پاسداران حین مراجعه به پایگاههای «نه لیوان» و «شاوانه» در حوالی روستای «شاوانه» ۳ چوپان اهل روستاهای «گرتک شانه» و «شاوانه» را بطور وحشیانه‌ای بشهادت رسانیدند.

سردشت

روز ۶۴/۸/۱۶ مزدوران رژیم پس از تحمل ضربات مهلکی که در اثر عملیات پیشمرگان انقلابی بر آنها

وارد آمده بود، زیر آتش سنگین توپخانه روستاهای «بران»، «گانی رهش»، «برده سیمان»، «گولان» و... را در منطقه بازار سردشت مورد یورش وحشیانه قرار داده و به آزار و انزیت زحمتکاران این روستا پرداختند.

مزدوران در روستای «گولان» ۲ نفر را دستگیر و در روستای «بران» ضمن تفتیش خانه‌ها به غارت و چپاول اموال مردم دست زدند.

■ ■ ■

چند خبر کوتاه از:

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

جنگ ارتجاعی ایران و عراق، طی يك ماه گذشته نیز همچنان ادامه یافته، و بازهم بر ابعاد تخریبی آن افزوده گشته است. دولتین ایران و عراق، بر حلات خود علیه یکدیگر و به زبان توده‌های دو کشور همچنان ادامه داده‌اند. رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی، در ادامه سیاست‌های ارتجاعی و پیمان-اسلامی خود و به رسمیت یابی تضادهای دوطرفه‌اش همچنان بر طبل جنگ کوبیده است. سردمداران مرتجع رژیم، بسویژه این روزها بازهم تلاش در برجسته کردن شعار جنگ تا پیروزی داشته، و با تبلیغ از طریق تظاهرات جمعی و دیگر دستگاههای تبلیغاتی خود به بسیج نیرو برای اعزام به جبهه‌های جنگ پرداخته و آتش تنور این جنگ نفرت انگیز را داغ‌تر کرده‌اند.

دولت ارتجاعی عراق نیز بر دامنه حملات خود افزوده است و رژیم عراق اگر چه بیشترین حملات خود را متوجه مراکز مهم اقتصادی ایران و خصوصاً مناطق نفتخیز ایران نموده است اما شهرها و مناطق مرزی کردستان نیز همچون گذشته از گزند این حملات برکنار نبوده است. چند خبر کوتاه زیر بین این واقعیت می‌باشد.

سردشت

منطقه سردشت جزو مناطقی است که همواره در معرض حملات توپخانه ارتش‌های ایران و عراق بوده است و از همان اوایل این جنگ ارتجاعی، از دادن قربانی و ثمرات تخریبی جنگ بی‌نصیب نبوده است.

در صفحه ۲۳

تلاش داشت تا پاسداران مزدور را از میان بازوان قدرتمند توده‌ها بیرون کشیده و آنها را نجات دهد. خود نیز از کینه اهالی برکنار نماند و شک مفصلی نوثر جان کرد.

در اثر این کشمکش و درگیری جمعیت زیادی در محل گرد آمده و هر دم بر اعتراضات آنان علیه مزدوران رژیم و سیاست‌های سرکوبگرانه آن‌ها افزوده می‌شد به فاصله کوتاهی يك خودرو وابسته به نیروهای مسلح رژیم بسرای پراکنده نمودن معترضین خود را به محل می‌رساند. توده‌های اعتراض‌کننده که هر لحظه بر تعدادشان اضافه می‌شد اعتراضات خود را تشدید نمود و با يك حمله انقلابی، با مزدوران درگیر می‌شوند که مزدوران سرکوبگر دست به تیراندازی می‌زنند. مدای شلیک گلوله مزدوران، موجب آن می‌شود که تعداد بازهم بیشتری از توده‌ها خود را به محل برسانند و این بار اعتراضات جمعیتی نزدیک به هزار نفر دامنه وسیع و گسترده‌ای بخود می‌گیرد. يك ریزی ارتشی که مطوای مزدوران بود و برای سرکوب مردم به محل تجمع توده‌های اعتراض‌کننده نزدیک شده بود، با دیدن اهالی خشمگین متحد و بهم پیوسته، هیچ گونه عکس‌العملی نشان نداده و مزدوران داخل آن جرات نمی‌کنند پیاده شوند.

و بدینسان مردم قهرمان سقز که از ظلم و جور رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و ستم‌های بی حد و حصر آن بجان آمده‌اند، ضمن آنکه از دستگیری دو جوان سافر جلوگیری نموده و سرکوبگران رنگارنگ آنرا محق نشین واداشتنند فقرت و کینه عمیق خود در انبساط به مزدوران و رژیم حامی انسان نشان دادند.

■ دو خبر از:

شهر سقز

مزدوران سرکوبگر رژیم، که در فراهم نمودن همه و هرگونه محدودیت‌ها و تضییقات در حق مردم مبارز کردستان هیچگونه دریغی نداشته‌اند، طی چند ماه گذشته با اعمال فشار بر اهالی شهر سقز، توانستند آسیاب‌های بزرگ شهر را از دست مردم خارج کرده، و اداره آنها را خود در اختیار بگیرند. مرتجعین پس از اعمال کنترل خود بر این آسیاب‌ها، از آرد کردن گندم‌های اهالی روستاهای اطراف این شهر، خود داری می‌کنند، و از این طریق هم بطور غیرمستقیم آنان را تحت فشار قرار می‌دهند تا اهالی را وادار کنند گندم‌های خود را به قیمشهای نازل و مظلوم مزدوران، به رژیم بفروشند، تا رژیم جمهوری اسلامی هم از این طریق بتواند آرد مورد نیاز مزدوران خود را تامین کند.

هفته آخر مهرماه شهر سقز، شاهد يك اعتراض پر دامنه و گسترده بود. ساعت ۱۰/۵ صبح روز ۶۴/۷/۲۳، میان دو نفر مسافر و سه تن از مزدوران سرکوبگر رژیم يك درگیری لفظی ایجاد می‌شود. مزدوران در ادامه این مشاجره دست به پر خاش زده و قصد آن دارند که این دو نفر را دستگیر کرده و همراه خود ببرند. اما این حرکت مزدوران با اعتراض و حضور مردمی که در محل حضور دارند مواجه می‌شود. با تجمع تعداد بیشتری از اهالی که همگی نسبت به این حرکت اعتراض می‌کنند، کار به شک کار می‌گردد و پاسداران مزدور، حسابی کتک می‌خورند. در این میان يك سرکوبگر ارتشی که مذبوحانه

تاریخچه

از صفحه ۲

زمینه های بروز درگیریهای کنونی را ، در مواجهه با سیاست های حزب دمکرات فراهم نموده است ، بلکه با درغلطیدن به ورطه اوتوریسم و آنارشیزم در مقابل حزب دمکرات ، نقش بارزی را در ایجاد و ادامه وضعیت فعلی بازی نموده است . کومه له با سیاست مقابله به مثل خود در جریان درگیریهای خود با حزب دمکرات ، عملاً آب به آسیاب سیاستهای حزب دمکرات ریخته است و در مجموع برخلاف تصور خود به جای آن که به عامل بازدارنده بدل شود ، خود به عامل اشتعال درگیریهای فیابین دو نیرو در مقاطع مختلف نیز تبدیل شده است .

ظرفیت محدود طبقاتی کومه له ، او را از وسعت دید نسبت به آینده برخورد های خود در عرصه سیاسی محروم ساخته است . از همین رو نیز سیاست های کورو شتابزده ، و عکس العملی این جریان در طول حیات خود ، پیوسته در درگیریهای متعدد این جریان با حزب دمکرات ، همیشه و در همه حال او را به دنبال حوادثی روانه ساخته است که امکان پیش بینی آینده آنها برای خود او نیز امکانپذیر نبوده و نیست و به جرات می توان گفت طرف مقابل کومه له با طرح و نقشه به مراتب روشن تری در چنین حوادثی پای نهاده است . همین واقعیت وانگهی بودن سیاستهای کومه له در مقابل حزب دمکرات بیان روشن وضعیت کومه له و سیاستهای او در این زمینه است . تعرض متقابل کومه له قبل از همه نشانه ضعف او در ترسیم هرگونه چشم اندازی برای برخورد های خود و دنباله روی او از حوادث فشاروی خود است تا چیز دیگری اگر چه حتی این سیاست کومه له در ذرورق انواع و اقسام تحلیل ها نیز پیچیده شود ، این خلقت واقعی سیاست های کورو کومه له در این زمینه نیز تا کنون خود را به آشکارترین وجه عیان ساخته است . درست به همین دلیل نیز هست که هر موفقیت ناچیزی در مقابله به مثل کومه له با حزب دمکرات ، برای این جریان ، در فقدان هرگونه درکی از رابطه متقابل

در صفحه ۱۷

سال گذشته و بخصوص بعد از درگیری ۲۵ آبانماه اورامان ، نخست با اختراع از پندپندش مسئولیت جنایات تشکیلات اورامان خود ، و از این طریق با بازگذاشتن راه برای تکرار آنها ، و سپس بعد از شروع مجدد درگیریها بعد از حمله ششم بهمن ماه کومه له به مقرهای حزب دمکرات در اورامان ، با اختراع از پندپندش آتش بس و هرگونه مذاکره ای و اعلام یک سری پیش شرط های ضد دمکراتیک ، عملاً تا کنون تمامی تلاش خود را در جهت ادامه درگیریهای خود با کومه له جدا نه به کار بسته است . حزب دمکرات در طول یک سال گذشته ضمن ادامه بلانقطاع درگیریهای کنونی ، سعی نموده است که از طریق تهدید و ارعاب به اهداف ضد دمکراتیک خود در انقیاد کلیه نیروهای سیاسی در گردستان ، جاه عمل پیوشاند . حزب دمکرات در یک سال گذشته پیش از هر زمان دیگری از پندپندش هرگونه اصل دمکراتیک طفره رفته ، در عمل نیز چنین اصولی را زیر پا گذاشته است . در ادامه چنین سیاستی حزب دمکرات نه تنها تا کنون هیچ گامی در جهت جلوگیری از درگیریها در گردستان برنداشته است ، بلکه با تمامی امکانات خود در صیردامن زدن به این درگیریها و گسترش ابعاد آنها نیز حرکت نموده است . حزب دمکرات در طول یک سال گذشته در یک کلام هیچگاه از تشدید و خامت اوضاع کنونی در ضایعات نیروهای سیاسی غافل نمانده است . محدودیت دید و عملکرد طبقاتی حزب دمکرات ، حصول واقعی خود را در ادامه چنین سیاست ضد دمکراتیک نشان داده است ، سیاستی که بعنوان عامل اصلی موجودیت و تداوم درگیریها در گردستان است و امروز جریان تر از همیشه عملکرد خود را آشکار ساخته است .

کومه له نیز بعنوان یک جریان ناسیونالیست خورده بورژوا ، با سیاست های خاص خود ، نه تنها

تنها کاری که قادر به انجام آن هستند ، انهدام یک جنبش عمومی به انحاء گوناگون و مناسب با شرایط خود میوه خود ، از جمله کشاکش درونسی چنین جنبش های و به شکست کشانیدن آنها است . تاریخ هیچگاه چنین رهبری هائیک را در تراودیک ترین شکل آن بارها به نمایش گذاشته است . حزب دمکرات و کومه له نیز هر یک بنوعی در طول حیات شش سال گذشته جنبش گردستان ، عاجز و ناتوانی خود در هدایت این جنبش را آشکارا به نمایش گذاشته ، بر بی کفایتی تاریخی دیدگاههای طبقاتی خود صحنه گذاشته اند ، دیدگاههایی که ریشه در ضایعات طبقاتی و موقعیت اجتماعی چنین جریاناتی دارد . این دو جریان که در شرایط ضعف جنبش پرولتاری و رهبری پرولتاری ، نقش فائقه را در جنبش انقلابی خلق کرده ، از آن خود ساخته اند ، امروز پیش از همه و در کوران وضعیت خطیر کنونی جنبش ، ورشکستگی سیاسی خود را در تداوم درگیریهای خونین نظامی کنونی ، به عیان ترین وجه به نمایش گذاشته اند .

حزب دمکرات بعنوان یک جریان ناسیونالیست و با سیاستهای کاملاً بورژوازی ، بعنوان پای اصلی درگیریهای کنونی ، در طول شش سال گذشته و در مقاطع حساس جنبش کنونی ، با حمایت و جانبداری از برنامه های بورژوا - رفرومیستی ، همیشه و در همه حال محدودیت اهداف و آمال خود راء آشکار نموده است و درست همین محدود نگرایی را در همه حال عیناً در ضایعات درونی جنبش چه در برخورد با توده های زحمتکش خلق کرد و چه با نیروهای سیاسی ، آشکار ساخته است . حزب دمکرات نه تنها به عنوان سرد راه هرگونه تحول بنیادی در زندگی خلق کرد عمل کرده است ، بلکه به افعال ضد دمکراتیک ترین سیاستها نیز پیوسته در یک سال گذشته - هست گذاشته است . نمونه های " دمکراسی " حزب دمکرات در گردستان کم نبوده و نیست . حزب دمکرات در طول یک

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

سگتاریسم

از صفحه ۹

سوال را، تپایح امروز ایران
مداومت و پیگیری در شرایط
کنونی جنبش خلق کرده داده
است و دیگر ضرورتی به تکرار
آن نیست، خود واقعیت ها گویای
آن هر چیزی در این باره سخن
می گویند، و محتوای واقعی این
به اصطلاح "مداومت و پیگیری" را
بر ملا می سازند، که در چه چیزی
بوده و هست و جقدر در ترمیم
وضعیت کنونی در جنبش کردستان
و درگیری های داخلی آن دخیل
بوده است. درگیری هایی که اینک
تمامی دستاوردهای جنبش کنونی
را لگد مال می کنند و بر زمینه
همین "مداومت و پیگیری" در
بی اعتنائی به درک الزامات
جنبش کنونی و اتخاذ سیاستهای
آناشینی و ماجراجویانه کومه له،

شما "حمایت بی قید و شرط" کرد،
شما واقعا حق دارید بزرگوارانه
درست همان چیزی را از دیگران
پخواهید که مدعی مبارزه علیه
آن هم هستید. درکاسی به شرط
حمایت "بی قید و شرط" از کومه له!
ولی تصور می کنید این خواست
عاجزانه شما فرق اساسی با
درکاسی به شرط "عدم توطئه"
و یا درکاسی به شرط "بدپوش
رهبری" دیگران دارد؟ فکر
می کنید هنوز هم روشن نیست
مبارزه شما با "ضد درکاسی"
چه فرقی با یک مبارزه واقعی در
این زمینه دارد؟ از حق نباید
گذشت که شما در این نوع خاص
از مبارزه برای درکاسی به شرط
"حمایت بدون قید و شرط" مداومت
و پیگیرانه "تلاش کرده اید،
ولی این تلاش مداوم و پیگیر
شما چه ربطی به درکاسی
دارد؟ ما فکر می کنیم پاسخ این

میدان عمل گسترده ای پیدا
کرده اند.
سگتاریسم علاج ناپذیر
کومه له، باید هم در برخورد با
مواضع نیروهای سیاسی به این
نتیجه گیری داهیانه برسد که
هر کسی که از سیاست های کومه له
"حمایت بی قید و شرط" نکند
ضد دموکراتیک و چه با ضد انقلابی
است. سگتاریسمی که برای اثبات
به اصطلاح "حقانیت" ادعای خود
در این زمینه، از هر شیوه
مدممی استفاده نموده، از
مواضع نیروهای سیاسی آنچه را
که خود اراده می کند، میسازد و
پیرامین این دست پخت خود
داستان پردازی می نماید، با همین
شیوه برخورد هم از همسر
برخوردی پیروزند بیرون آمده
خود را محور عالم قرار میدهند
و به صدور احکام آسمانی همت
میگذارند.

از پذیرش آتش پس، و شعله ور
گشتن مجدد درگیرها در ابعاد
گسترده تر، همه شواهد حاکی از
آن است که در مقابل جنبش کنونی،
مسیر خونینی بازگشوده می شود
که قربانیان اصلی آن را فرزندان
زحمتکش خلق کرد تشکیل می دهند،
مسیری که پیروان آن با هر
متمسکی تنها در حکم خیانت
به آرمان خلق کرد می تواند
محسوب گردد، نه چیز دیگری.
و امروز هر سیاستی که چنین
مسیری را هموار می سازد، چه
آگاهانه و چه ناآگاهانه، بر
این خیانت صده می گذارد.

همانا تصدیف بیش از پیش جنبش
انقلابی خلق کرد خواهد بود.
اگرچه امروز نه تنها خواست
اکثریت نیروهای سیاسی،
آتش پس فوری و قطع درگیریهای
فیما بین دموکرات و واپس
خواست دیگر به خواست عمومی
خلق کرد نیز تبدیل شده است، ولی
شروع دورجدیدی از درگیرها
در آستانه پشت سر گذاردن یک
سال درگیری خونین در کردستان،
قطعا چشم انداز روشنی را
برای آینده مناسبات دموکرات
ترسیم نمی کند. بلکه برعکس
با توجه به اعتناع حزب دمکرات

یک سال بعد

از صفحه ۱۶

بین دو سیاست با الزامات جنبش،
کومه له را در مسیری صریح
داده است که خود مدعی
مقابله با آن نیز هست.
بی جهت نیست که کومه له امروز
بعد از یک سال درگیری با حزب
دمکرات، بدون آن که بر تپایح
سیاسی یک سال گذشته فعالیت
خود، در عرصه جنبش خلق کرد
بمعنوان یک طرف درگیر نظری
مشولانه بیندازد، تسبیح بدست
گرفته و به شورش فتوحات خود
مشغول است.

به هر حال امروز آنچه که
دیگر در واقعیت جریان دارد، این
است که هر دو جریان در فقدان
ظرفیت لازم برای پیشبرد سیاسی
اختلافات خود، عرصه
تقابل خود را بنا به وضعیت
جنبش کنونی در کردستان، عطا
و طی پروسه مبینی به عرصه
تقابل نظامی گشائیده اند.
درگیریهای یک سال گذشته
اگرچه آشکار ساخت که هیچکدام
از آنها قادر به انهدام فیزیکی
دیگری از طریق درگیریهای به
مراتب گسترده تر نظامی نیستند،
ولی آنچه که روشن است تداوم
آتی درگیریها مسلما در آینده
به قسایش هر دوی آنها منجر
خواهد گشت. و تنها چیزی که
از این رهگذر بر جای خواهد ماند

اطلاعیه

پیرامون سیاست تخلیه و تخریب روستاها
توسط رژیم جمهوری اسلامی

از صفحه ۶

به سازماندهی اعتراضات گسترده توده ای نه تنها در کردستان، بلکه
در سراسر ایران پرداخته و با بسیج افکار عمومی جهانیان علیه این
گونه اقدامات ارتجاعی، موجبات جلوگیری از اجرای چنین سیاستی
را به هر طریق ممکن فراهم نمایند.

زنده باد اتحاد عمل و همکاری فیما بین نیروهای انقلابی!
پیروزیاد جنبش انقلابی - دموکراتیک خلق کرد!
سرنوشت باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

به مناسبت

شصت و هشتمین سالگرد ...

از صفحه ۲۴

با دهقانان فقیر و تهیدست قدرت را به دست گرفت. قدرت و اراده خلل ناپذیر کارگران و سربازان در شوراهاشان تبلور می یافت. شوراها می نمایندگان کارگران و سربازان به مشایبه شکل دولتی دیکتاتوری پرولتاریا، مقاومت استثمارگران را در هم کوبید. با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر ناقوس سرک نظام سرمایه داری به صدا درآمد و فصل نویسی در رهائی بشریت از قید استثمار و بندگی آغاز گشت. انقلاب اکبر به مشایبه درخشان ترین نقطه طغیان در تاریخ جهان سرآغاز انقلابات پرولتری شد.

با انقلاب اکبر مائیسین دولتی کهنه درهم شکسته شد و حکومت شورائی به منزله شکل جدید دولت پرولتری جایگزین آن گشت. با برقراری دیکتاتوری پرولتاریا دموکراسی نوین یعنی دموکراسی پرولتری حاکم شد و برای دومین بار در تاریخ جهان (بعد از کمون پاریس) دموکراسی برای اکثریت عظیم توده های زحشکشی برقرار شد و توده ها حاکم بر سرنوشت خویش شدند. حکومت شوروی به خواسته های اساسی توده ها جامه عمل پوشاند. مالکیت بر زمین ملی گشت. تولید و توزیع کالاها تحت کنترل کارگران درآمد. کنترل ملی بر بانکها اعمال شد. از طرف حکومت شوروی تحت رهبری لنین آموزگار کبیر پرولتاریا و رهبر انقلاب پرولتری روسیه پیشنهاد صلح عادلانه و دموکراتیک به تمامی ملت های درگیر در جنگ امپریالیستی جهانی داده شد. انقلاب اکبر صلح، نان و آزادی را برای توده ها به ارضان آورد. حکومت شوروی حق ملل در تعیین سرنوشت خویش را به رسمیت شناخت.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر زنجیرهای استارت خلق های مستعبد و محروم ساکن روسیه تزاری را با پاره کرد و به این خلق ها آزادی، استقلال، برابری، رفاه و آسایش به ارضان آورد. به رسمیت شناخته شدن حق ملل

در تعیین سرنوشت تاحد جدائی و تشکیل دولت مستقل، سینم ستگری ملی بر چیده شد و اتحاد داوطلبانه و همبستگی اترناسیونالیستی ملل مختلف روسیه جایگزین ناسیونالیسم و عداوت ملی گشت.

بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اکبر یعنی در دسامبر ۱۹۱۷ حکومت شوروی استقلال فنلاند و اوکراین را به رسمیت شناخت. حکومت شوروی با پیروزی سیاست اصولی حتی بر سیاست برابری کامل همه خلق ها حمایت آنها را نسبت به انقلاب اکبر جلب کرد.

حزب کمونیست دولت شوروی را بر پایه اتحاد داوطلبانه جمهورهای آزاد ملی تشکیل داد. ضد انقلابیون و دشمنان طبقاتی زحشکشان می کوشیدند بین خلق های ساکن روسیه نفوذ و تفرقه افکنند. اما کارگران و زحشکشان همه خلق های روسیه از انقلاب اکبر پشتیبانی کرده و با حکومت شوروی اعلام همبستگی نمودند.

نخستین کنگره شوراها ی سراسری اوکراین در دسامبر ۱۹۱۷ تشکیل شد و اوکرائین را جمهوری شوروی اعلام نمود. بین جمهوری شوروی اوکراین و جمهوری شوروی روسیه اتحاد دوستانه و میمانه برقرار شد. اوکرائین نخستین جمهوری ملی شوروی بود.

دولت پرولتری با تأیید هر چه بیشتر بر ضرورت رفع نابرابری های خلق ها عدم اعتمادی را که حکومت تزاری به عنوان نماینده سرمایه داران و ملاکان در میان خلق ها ایجاد کرده بود از بین برد و دوسنی خلق ها را پایه گذاری کرد.

سومین کنگره شوراها ی سراسری در ژانویه ۱۹۱۸ تصویب کرد که جمهوری روسیه بر پایه اتحاد داوطلبانه ملت های آزاد، به صورت فدراسیون جمهورهای ملی شوروی تأسیس می شود.

دسامبر ۱۹۱۹، حکومت شوروی استقلال ملل کوچک استونی، لتونی و فنلاند را علیرغم این که تحت نفوذ سیاسی و مالی امپریالیستها بودند، به رسمیت شناخت.

حکومت شوروی تحت رهبری حزب کمونیست، با پیروزی سیاست اصولی و لنینی در مائسه

ملی، زحشکشان کهنه ملت های روسیه را که در گذشته زیرستم قرار داشتند در بارزه ملیت صلاحتیات امپریالیستی و ضد انقلابیون وابسته به آنها ضحسد می ساخت. ملل زحشکشی نیز به تجربه دریافتند که آزادی و استقلال ملی واقعی خلق های روسیه در گرو یابداری و استحکام حکومت شوروی است. آنها با حمایت همه جانبه از انقلاب اکبر، فعالانه به صاوزه با ضد انقلابیون برخاستند. در جریان جنگ داخلی زحشکشان ملت های مختلف که دوش به دوش هم در صفوف ارتش سرخ بیکار می کردند، با دفاع از دستاوردهای انقلاب اکبر، اتحاد هرچه بیشتری را میان خود تحکیم کردند.

لنین در شرایط دولت شهر الهه شوروی اندیشه های داهیان مارکس و انگلس درباره امکان رشد غیر سرمایه داری خلق های عقب مانده بی سوسیالیسم را تحت رهبری حزب کمونیست بسط داد و قسری تر ساخت. خلق های کازاخستان، آسیای میانه، قفقاز و منطقه شمال با رهبری سنجیده حزب کمونیست شوروی بدین گذراندن مرحله سرمایه داری به سوسیالیسم هدایت شدند. سال ۱۹۲۱ حزب توده ای انقلابی ضولستان بیاری ارتش سرخ، نیروهای اشغالگر چینی و لغزای گارد سفید روس را رانده و قدرت سیاسی را در دست گرفت. جمهوری توده ای ضولستان نیز تحت رهبری پرولتاریا بدین ملی سرمایه داری به سوی سوسیالیسم گام برداشت.

ناهربری حقوق خلق ها در نخستین روزهای حکومت شوروی ملی شده بود. لنین در چهارمین سالگشت انقلاب اکبر با انتشار اعلام کرد:

"در کشور ما این مابیل از مذهب یا بی حقوقی زنان با ستگری نسبت به ملت های غیر روس در آن درجهت بورژوا دموکراتیک تا آخر حل شده است... ما به همه ملت های غیر روس جمهوری خاص خودشان یا مناطقی خود مختار خاص خودشان را داده ایم."

(تاکیدها از لنین)
اما برابری واقعی خلق ها با تأمین

پیشرفتهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنها امکان تحقق داشت. برای برقراری برابری واقعی میبایست در مناطق ملی در مرحله اول صنایع ایجاد گردد. این کار مستلزم وقت زیاد، تلاش و کوشش پروتاریا و خلقهای پیشرو کشور شوروی و همچنین همسنگی و کمک صادخانه آنها به خلقهای عقبمانده بود.

کنگره دهم حزب کمونیست شوروی تصویب کرد که باید به این خلقها یاری شود تا در سرزمین خویش سازمان دولتی شوروی، مقامات حاکمیت و اداره اقتصاد، دادگاه، مطبوعات، مدرسه، تئاتر و غیره را که به زبان مادری فعالیت میکنند تهیه داده و تحکیم نمایند. و تهیه کار ملی را تسهیل کنند.

همچنین در این کنگره به صالیه اتحاد جماهیربای شوروی توجه جدی شد. از آنجا که هیچیک از این جمهوریهها به تنهایی نمیتوانست در برابر توطئهها و سیاستهای تجاوزگران امپریالیستها خود را از خطر سرکوب شدن حفظ نماید، کنگره اعلام نمود که "ضایع مشترک اقتصادی، سیاسی و دفاعی، اتحاد دولتی جمهوریهای جداگانه شوروی را به طایفه یگانه راه نجات از استارت امپریالیستی و حتم ملی الزام میکند. تجزیه روسیه که انواع مختلف فدراسیون را بکار بسته بود مناسب بودن فدراسیون را به مثابه شکل عمومی اتحاد دولتی جمهوریههای شوروی کاملاً به اثبات رسانید. لنین در مورد مناسب بودن شکل فدراسیون برای اتحاد جمهوریههای شوروی نوشت:

"فدراسیون عبارت است از شکل انتقال به وحدت کامل زحمتکشان ملل گوناگون. فدراسیون صلاح بودن خود را خواهد در مورد ضایعات جمهوری فدراتیو شوروی و صوبالیستی روسیه با سایر جمهوریههای شوروی (مجارستان، فنلاند و لیتوی در سابق و اندریایجان و اوکراین در حال حاضر) و خواه در داخل جمهوری فدراتیو شوروی و صوبالیستی روسیه در مورد طبعیاتی که سابقاً نه موجودیت دولتی داشتند و نه خودمختاری (مثلاً

به مناسبت

شصت و هشتمین سالگرد ۱۹۰۰

جمهوری خودمختار باشقیوستان و تاتارستان در جمهوری فدراتیو شوروی صوبالیستی روسیه که در سالهای ۱۹۱۹-۱۹۲۰ تشکیل داده اند) آشکار ساخته است. (طرح اولیه تزهایی مربوط به صالیه ملی و مستعمراتی)

حکلات مکرر دولتمسای امپریالیستی علیه کشورشوها، ضرورت آمادگی دائم برای دفاع از چین صوبالیستی را به زحمتکشان جمهوریههای شوروی یاد آوری می کرد. خلقهای شوروی که در بارزه متحد شدن برای استقرار و تحکیم دیکتاتوری پروتاریا و برای ساختمان صوبالیسم با هم متحد گشته بودند، در جهت ایجاد وحدت دولتی نیز می کوشیدند. از سوسی اتحاد همه جمهوریههای شوروی برای مقابله با امپریالیستها و از سوی دیگر برای دفاع پیروزند از دستاوردهای انقلاب کبیر اکبر، ضرورت اتحاد در یک واحد جدائی ناپذیر را ایجاد می کرد.

با درک این ضرورت حزب کمونیست در سال ۱۹۲۲ تصمیم گرفت که:

"انعقاد قرار داد میان اوکراین، بلوروسی، فدراسیون جمهوریهای مائوراء قفقاز و جمهوری فدراتیو شوروی صوبالیستی روسیه در باره تجمع آنها در اتحاد جماهیر شوروی صوبالیستی با حفظ حق خروج آزاد هر یک از آنها از ترکیب اتحاد لازم است.

طاهای اکبر، نوامبر و صامبر همان سال احزاب کمونیست اوکراین، بلوروسی، اندریایجان، گرجیات و ارمنستان موافقت خود را با سیاست وحدت جمهوریهای شوروی در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی صوبالیستی اعلام نمودند. در صامبر ۱۹۲۲ کنگرههای شوراهای همه جمهوریههای نیز با این امر موافقت کردند.

۳ صامبر ۱۹۲۲ در مسکو نخستین کنگره شوراهای اتحاد

جماهیر شوروی صوبالیستی تشکیل گردید.

بدین ترتیب تحت رهبری حزب و به پیشنهادی لنین دولت اکثر الطیه شوروی صوبالیستی تأسیس گردید. تأسیس آن ادامه کار انقلاب اکبر بود. این دولت بر صنای اصل داوطلبانه و بر اساس حفظ استقلال و حاکمیت ملی هر جمهوری شوروی عضو اتحاد جماهیر شوروی صوبالیستی تشکیل یافت. تأسیس اتحاد جماهیر شوروی صوبالیستی پیروزی اندیشه لنین و سیاست ملی لنینی حزب کمونیست شوروی بود. پروتاریای روسیه به بدین ترتیب به همه زحمتکشان جهان، راه حل صالیه ملی از بین بردن نابرابری ملتها و خلقها و راه وحدت خلقها را در جهت پایه ریختن صوبالیسم و کمونیسم نشان داد.

لنین پایه ریختن و استحکام ساختمان صوبالیسم در شوروی را فقط به شرط برقراری دوستی خلل ناپذیر میان خلقهای اتحاد شوروی امکانپذیر میدانست و همواره بر رفع فوری نابرابری واقعی خلقهای عقب مانده و پرورش همه خلقها با روح انترناسیونالیسم تأکید می کرد. او در این باره نوشت:

"برای پروتاریا چه چیز مهم است، برای پروتاریا نه فقط اهمیت، بلکه ضرورت جدی نیز دارد که در بارزه طبقاتی پروتاریا حد اکثر اعتماد افراد ضوب به دیگر خلقها را به دست آورد، برای اینکار چه چیزی لازم است؟ برای اینکار فقط برابری ظاهری کافی نیست. برای اینکار باید با رفتار و گذشتهای خود درباره خلقهای دیگر به هر صورت باشد آن عدم اعتقاد، شبهه و رنجیدگی را که در گذشته تاریخی بوسیله حکومت ملت "عظمت طلب" در این خلقها ایجاد گردیده جبران نمود (مجموعه آثار جلد ۵)

در اهتزاز باد پرچم
ظفر نمون انقلاب کبیر
صوبالیستی اکبر

سیاست سرانگیزی

سیاست سرانگیزی اجباری

از صفحه ۲۴

زحمتکشان و محل های تجمع مردم در شهرها از قبیل اماکن عمومی، چهارراهها، سینماها، دف های طویل خواربار... را به محاصره خود درمی آورند و در روستاها، با یورش های وحشیانه و محاصره نمودن روستا، به خانه گردی و اعمال فشار و اذیت به اهالی می پردازند. در مهرماه گذشته، مزدوران سرکوبگر رژیم، در ادامه سیاست سرانگیزی اجباری، کلبه روستاهای مناطق "شاطات"، محال و "جوم مجید خان" را مورد هجوم و حمله خود قرار داده، ضمن محاصره این روستاها و آزار و اذیت اهالی زحمتکش آنها در چند هجوم پی در پی اقدام به دستگیری فرزندان زحمتکشان نموده اند. مزدوران رژیم طی این یورش های سبعانه همزمان حدود ۱۰۰ روستای این مناطق را محاصره زده اند و تعداد زیادی از اهالی این روستاها را دستگیر کرده، روانه پایگاهها و پارکانهای رژیم نموده اند. اما زحمتکشان این مناطق نیز در مقابل یورش های مزدوران شکست نخسته اند و دست به اعتراضات گسترده ای علیه مزدوران رژیم زده اند. ایام گذشته این اعتراضات آنچنان بالا گرفته است که نیمی از دستگیرشدگان نیز در حین نقل و اتصالات مزدوران موفق به فرار گشته اند.

مزدوران رژیم همزمان با این یورش ها، نیروک های جدیدی را نیز به کار بسته اند و به دادن وعده و وعده های متعدد دست زده اند. آنها اعلام کرده اند هر کسی که خود را به مراکز نظامی رژیم معرفی نماید در محصل زندگی خود به خدمت گمارده خواهد شد و ...

ولی با تمامی این اقدامات، مزدوران رژیم نتوانسته اند، مردم مقاوم مناطق مختلف را وادار به تمکین به سیاست خود نمایند. واقعیت این است که نه یورش های نظامی و نه اعمال سیاست های ارتجاعی، نه وعده و وعده های متعدد رژیم در طول بیش از شش سال گذشته، هیچگاه نتوانسته است، در عزم و اراده خلق رزمنده، کرد، خلقی وارد نماید. زحمتکشان کردستان در تجربه شش سال گذشته، خود را با تمام

وجود خود بر این واقعیت یقین حاصل کرده اند، که رژیم جمهوری اسلامی که تنها ارفغان آن برای مردم کردستان جنگ و ویرانی، کشتار و امارت و فقر و بدبختی چیز دیگری نبوده است، هدفی جز نابودی اهداف انقلابی آنان را دنبال نمی کند. این رژیم با تمامی موجودیت منصور خود و با تمامی سیاست های ارتجاعی اثر تنها هدف سرکوب و درهم شکستن اراده خلق کرد برای رهائی از ستم ملی و از قید نظامات پرسیده و ارتجاعی در کردستان را دنبال می کند. و بسا اذعان به همین واقعیت نیز بوده و هست که در طول شش سال گذشته تنها پاسخ خلق کرد به تمامی سیاست های رژیم در کردستان، در هر جائی که این رژیم پای نهاده است، خروش مسلح ها و سرب مذا ب بوده است.

امروز نیز زحمتکشان خلق کرد با هر چه فشرده تر ساختن صفوف مبارزه، کوشی علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در تمامی مواردی که رژیم تلاش نموده است به اجرای سیاست سرانگیزی اجباری یا هر سیاستی از این قبیل بپردازد، دست به مقابله جدی با اقدامات مزدوران رژیم زده، به آتش کشیدن خودروهای آنها و خلع سلاح مزدوران پرداخته اند. فرزندان قهرمان خلق کشته، پیوستن به صفوف رژیم را در هر لباس و به هر شکلی چیزی به جز خیانت محسوب نداشته اند و نمی دارند. چیزی که نه تنها رژیم جمهوری اسلامی بلکه همه رژیمهای مترجم و سرکوبگر عاجز از درک آن هستند، این واقعیت است که هر زحمتکش کرد که به اهداف و آرمان خلق خود آگاه باشد، خود پیشتر به پیشمرگه است، از همین رو نیز تمامی تلاش های مذبحخانه مزدوران سرکوبگر برای ایجاد جدایی بین اهالی زحمتکش روستاها و فرزندان پیشمرگ آنها، نه تنها تلاش عیث و بیشایر محکوم به شکست است، بلکه ناشی از ناتوانی و عجز رژیم از درک واقعیات جنبشی است که هر روز بیشتر از روز پیش مزدوران رنکارنک او را در گام خود فرو می بلعد. واقعیت مبارزه انقلابی در کردستان در طول شش سال گذشته آشکار ساخته است، گفتنی

سیاست هایی از قبیل سرانگیزی اجباری و تسلیح - اجباری و ... بلکه حتی بزرگترین - زرادخانه های نظامی را نیز برای مقابله با اراده استوار یک خلق به پا خاسته و مصمم نیست.

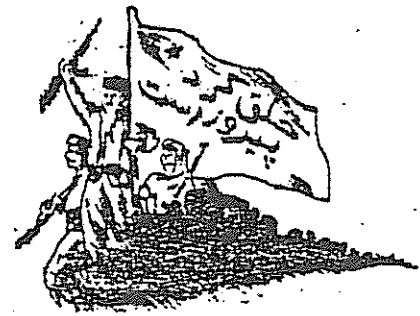
سیاست سرانگیزی اجباری رژیم نیز در مقابل عزم و اراده انقلابی خلق کرد، با تمامی تلاش های رژیم محکوم به شکست است چنانکه حوادث چند ماه اخیر این واقعیت را به اثبات رسانیده است.

تخلیه اجباری...

از صفحه ۵

ارتش باز داشته و پیشمرگان را از پشت جبهه قدرتی خود محروم سازد. اما این سیاست بغایت ارتجاعی رژیم نیز همچون دیگر سیاست های سرکوبگرانه او نتیجهای جز شکست و رسوائی نخواهد داشت و قبل از هر چیز نشانه عجز و درماندگی رژیم در مقابل جنبش انقلابی و مسلحانه خلق کرد است. واقعیت های مبارزات قهرمانانه خلق کرد، و جنگ انقلابی در کردستان، که به پیوستن خواست های برحق و عادلانه نوده های زحمتکش این سامان شکل گرفته، و در طول بیش از شش سال بی وقفه ادامه یافته است، به آشکارترین شکلی روشن می سازد که هیچ کدام از ترفند های رژیم نتوانسته و نخواهد توانست کمترین خللی در اراده شکست ناپذیر خلق مبارز کرد وارد سازد. امروز نوده های انقلابی خلق کرد

پرتوان تر از گذشته با اراده و تشدید مبارزات انقلابی خود علیه رژیم ستمگر و جنایت پیشه جمهوری اسلامی و با مقاومت همه جانبه در مقابل این سیاست جنایت کارانه رژیم شکست های باز هم مفتوحانه تری را بر او تحمیل خواهند کرد و پروژه کثیف او را به خاک خواهند مالید. اما در این رابطه وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که با برخورد فعالانه و مسئولانه و از هر طریق ممکن ماهیت ارتجاعی این سیاست جنایتکارانه رژیم منصور جمهوری اسلامی را در میان عموم کارگران و زحمتکشان افشا نموده و اعتراضات گسترده ای را در محکوم نمودن این سیاست ها و در حمایت و پشتیبانی از مبارزات نوده های انقلابی خلق کرد سازمان دهند.



رزمی پیشمرگان نیزضربات مهلك آنها نیز قرار گرفته اند. در آبانماه سال جاری نیز پیشمرگان خلق کرد طی دهها عملیات تعرضی، ضمن انهدام بخشی وسیعی از تأسیسات نظامی و اقتصادی رژیم در سراسر کردستان و به قیمت گرفتن تعداد بسیاری جنگ افزار، مهمات، مدها، نفر از مزدوران سرکوبگر، که در بین آنها تعدادی از فرماندهان ضد خلقی نیز وجود داشته اند، بهلاکت رسانیدند.

پیشمرگان بسیاری از جاده های اصلی و فرعی کشیمی به شهرها و روستاها را تحت کنترل گرفتند و طی چندین کمین در مسیر این جاده ها ضربات خرد کننده ای به مزدوران وارد آوردند. مراکز رژیم در شهرهای مفر، سردشت، اشنویسه، بوکان، ارومیه، مهاباد و تبریز مورد تعرض واقع شد و پیشمرگان در مقابله با یورش مزدوران به برخی روستاهای مناطق جنوبی، مرکزی و شمالی کردستان با وارد آوردن ضربات خود انسان را وادار به عقب نشینی نمودند.

جدول زیر تعدادی از ضربات شدید و سرگیجه آوری است که رژیم را در مقابل جنبش انقلابی خلق کرد هر روز درمانده تر از پیش ساخته و هرروز بیشتر از روز پیش سرنوشت محتوم این رژیم در دست سیاستهای ارتجاعی اورا که چیزی جز شکست و نابودی نیست به نمایش می گذارد.

جدول عملیات این ماه پیشمرگان خلق کرد نشان می دهد که هر وقته کوتاهی در درگیریهای حزب دمکرات و کومه له، مستقیماً انعکاس خود را در افزایش تحرک پیشمرگان علیه مزدوران سرکوبگر رژیم آشکار می سازد.

پیشمرگان انقلابی خلق کرد در ماههای اخیر پیروزیهای درخشانی در عرصه نظامی کسب نموده اند. پیروزیهای نظامی اخیر یکبار دیگر بر این واقعیت صده گذارد که در مرحله کنونی جنگ تنها عامل صلح یورش در ارتقاء توان رزمی پیشمرگان، انحصار تأکیکهای تعرضی و حملات برق آسا و ضربات مرموز و غافلگیرانه به مزدوران و پایگاههای آنها بوده است.

اگر جنبشهای سرکوبگر رژیم با تعرض در مناطق مختلف کردستان و استقرار آتیه شبکه های پایگاهی اهداف شخصی را دنبال ننمودند که با تسلط بر گذرگاههای حد فاصل مناطق و محاصره نظامی روستاهای تحت کنترل پیشمرگان تحرک نظامی آنها را محدود نمایند و از این طریق، زمینه های عملی بیشتری را جهت محاصره و سرکوب پیشمرگان مهیا نمایند. اما علیرغم تدابیر سرکوبگرانه ای که نسواً با یورش های نظامی صورت گرفته است، تاکنون نه تنها نیروهای سرکوبگر به اهداف خود دست نهافته اند، بلکه بهتر از پیش در مقابل تحرک

غنائم بدست آمده

۱۴۰	جنگ افزار انفرادی
۳۴	انواع نارنجک
۵	سیسم
۱۰۶۲۵	انواع فشنگ
۳۹۳	جشناب
۸	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۱۰۰۹	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۲۵	بیستین فریب خورندگان

تلفات دشمن

۵۲۱	کشته و زخمی
۳۳	امرای دشمن
۱۰۱	خودرو ضحدم یا صادره شده
۸	سلاحهای ضحدم شده
۸۸	مهمات ضحدم شده

۱. دوشک + چندین قبضه سلاح
۲. انبار + دهها صندوق مهمات

جدول يك ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

عملیات پیشمرگه

۴۳	کمین و کنترل جاده
۳۵	مین گذاری
۲۹	مقابله در برابر یورش رژیم
۱۰	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۱	خلع سلاح پایگاه
۱۳	صادر و انهدام تأسیسات
۳۹	حمله به پایگاهها
۱۷۰	جمع

شهادت پیشمرگه

۲۱	شهادت اهالی بی دفاع
۲۲	

آمار آیین جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

۲۷ مهر تا ۲۷ آبان

سازگه و نویی بزوتنه و دی شورنشگیرانه ی گه لی کورد



اطلاعیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته کردستان
پیرامون بازداشت دوش از پیشمرگان سزاملن، توسط حزب دمکرات کردستان ایران

خلق رزمنده کرد!
کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!
نیروهای انقلابی و دمکرات!

حزب دمکرات کردستان ایران در ادامه سیاست های ضد دمکراتیک خود علیه نیروهای انقلابی و تحمیل درگیریهای خونین داخلی در جنوب کردستان و اصرار بر ادامه آنها، در چند روز اخیر دست به اقدام دیگری علیه سازمان ما زده، ضمن بازداشت دوش نفر از پیشمرگان ما، تمام تلاش خود را برای اعمال سیاست های خصمانه خود در جهت تشدید بحران موجود در مناسبات نیمابین نیروهای سیاسی به کار گرفته است.

دو پیشمرگه بازداشتی توسط حزب دمکرات، روز ۸ آبان ماه در حین تردد بین دو مقر سازمان ناپدید شدند. فردای آن روز یعنی ۹ آبان ماه، ما از طریق پیشمرگان اتحادیه میهنی از وضعیت آنها اطلاع حاصل نمودیم که آنها را به همراه و در بازداشت پیشمرگان حزب دمکرات در مسیر تردد بین دو مقر سازمان دیده بودند.

ما به دنبال کسب اطلاع از این قضیه طی نامه ای از دفتر سیاسی حزب دمکرات خواستار آزادی این دو نفر و توضیح کتبی پیرامون این اقدام شدیم. اما حزب دمکرات برخلاف تعاملی موازین دمکراتیک جنبش علیه غم آن که به گفته خود حزب دمکرات، دو پیشمرگه مذکور در حین بازداشت، مدعی وابستگی به سازمان شده اند و کارت سازمان ما را به همراه داشته اند و نیز علیه غم درخواست کتبی ما از دفتر سیاسی حزب دمکرات صحتی بر آزادی دو نفر مذکور و توضیح کتبی پیرامون این اقدام، از ما می خواهد، نماینده ای را جهت حضور در تحقیقات لازم به منظور روشن شدن انگیزه حضور و تردد آنها در محل بستگیری اعزام داریم که بنا به گفته حزب دمکرات در پاسخ به نامه مورخه ۶۴/۸/۹ سازمان ما ۸۰ شری یکی از مراکز مخفی حزب دمکرات قلمداد شده است.

ما در پاسخ به نامه حزب دمکرات، ضمن اعتراض مجدد به این اقدام یکبار دیگر به حزب دمکرات گوشزد نمودیم که دست از این شیوه های غیرواصولی برداشته، ضمن آزاد نمودن دو نفر مذکور، نسبت به این شیوه های برخورد خود رسماً جوابگو باشد. اما در پاسخ همین نامه، نیز حزب دمکرات ضمن تکرار نامه قبلی، این بار صریحاً اعلام نمود که اگر ما نماینده ای جهت حضور در تحقیقات به منظور روشن شدن مسأله معرفی نماییم، آنها خود تحقیقات لازم را معمول خواهند داشت. فرضاً در عین حال در همان نامه اشاره مستقیم به تناقض اظهارات کتبی دو نفر با نامه ما نیز شده بود. این امر نشان می داد حزب دمکرات در حقیقت تحقیقات لازم را کتباً معمول داشته است. بدون آنکه حتی سازمان ما را تا مراجعه رسمی ما تا ۲۴ ساعت بعد از بستگیری، از وقوع چنین امری مطلع سازد و یا در مورد چنین کاری برآید.

لذا بعد از دریافت این پاسخ حزب دمکرات، ما طی نامه مجددی ضمن معرفی دو نفر به عنوان نماینده برای تحویل پیشمرگان بازداشتی یک بار دیگر به حزب دمکرات تذکر شدیم که:

اولاً اقدام انجام شده توسط آن حزب، در مورد بازداشت دو نفر مذکور، با توجه به اعلام وابستگی آنها به سازمان ما، امری کاملاً ضد دمکراتیک و غیر اصولی بوده و هست.

ثانیاً تأکید مجدد حزب دمکرات بر تحقیقات به منظور روشن شدن مسأله، در شرایطی که وابستگی این دو نفر به سازمان ما برای این حزب سجل شده است از سوی ما نمی تواند به چینی جز ادامه سیاست های معمول و غیر اصولی حزب دمکرات با چنین شیوه هایی تعبیر شود.

ثالثاً با توجه به نامه های رد و بدل شده، اصرار حزب دمکرات بر بازداشت و بازجویی از آنها، علاوه بر زیر نهادن هرگونه اصل دمکراتیک جنبش، هدفی جز به انحراف کشاندن مسائل و اختلافات سیاسی دو سازمان را دنبال نمی کند، امری که حزب دمکرات در سطح جنبش باید پاسخگو آن باشد.

در عین حال یکبار دیگر توصیه نمودیم که رهبری حزب دمکرات دست از این شیوه های برخورد برداشته، دو نفر مذکور را به نمایندگان سازمان ما تحویل دهد.

اما دفتر سیاسی حزب دمکرات از پاسخ به این مسأله طفره رفت و یکبار دیگر آشکار ساخت که همچنان اصرار بر ادامه اینگونه سیاست های خود دارد. سیاست هایی که تا کنون در عمل و در سطح جنبش لطمات جبران ناپذیری را بر دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد و در ابعاد مختلف، وارد آورده است.

خلق رزمنده کرد!
کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!
نیروهای انقلابی و دمکرات!

حزب دمکرات با بازداشت و اضعاف از آزاد نمودن دو پیشمرگه ما که هم اکنون نیز در بازداشت این حزب به سر می برند. و خود داری از دادن هرگونه اطلاعی در مورد اقدام خود در زمینه چگونگی و چرایی بازداشت دو نفر مذکور تا لحظه اطلاع ما از طریق پیشمرگان اتحادیه میهنی و طفره رفتن از هرگونه پاسخ روشن در مورد این اقدام، عملاً آشکار می سازد که اصرار هرچه بیشتری بر ادامه سیاست های ضد دمکراتیک خود علیه نیروهای انقلابی دارد.

لذا ما صراحتاً خواهان محکوم نمودن این گونه تشبیهات ضد دمکراتیک حزب دمکرات از سوی کلیه نیروهای انقلابی بوده و هستیم. و به حزب دمکرات هم یک بار دیگر توصیه می کنیم هرچه سریعتر دو نفر پیشمرگه مذکور را آزاد نموده، رسماً پیرامون این اقدام خود در سطح جنبش توضیح دهد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کمیته کردستان

۱۵ / آبان / ۱۳۶۴

نکاتی پیرامون...

از صفحه ۲۴

داشته‌اند. جریان بعدی مکتوبات ما با حزب دمکرات نیز نشان داد که مساله حزب دمکرات نه عدم شناسایی این افراد و بی‌اعتنا بودن آنها در حوالی مقرر خود، بلکه قبل از همه اعمال آشکار همان سیاست‌های فرد دمکراتیک خود به شیوه‌ای دیگر در مورد سازمان ما بوده است. سیاستهایی که دیگر امروز به وجه مشخصه حزب دمکرات در جنبش خلق کرد تبدیل گشته‌اند. سیاست‌هایی که تبلور خود را قبل از همه در پافشاری بر ادامه درگیری‌ها و تلاش در جهت تحمیل آیین درگیری‌ها به نیروهای هر چه بیشتری تشکیل می‌دهد. در همین این صورت، حزب دمکرات طبق معمول اینگونه مسوول در کردستان قبل از هر اقدامی می‌بایست سازمان ما را از جریان امر مطلع می‌ساخت و در نفس مذکور را به سازمان ما تحویل می‌داد و هرگونه ادعایی در این زمینه داشت از طریق رسمی مطرح می‌نمود. نه تنها حزب دمکرات بلکه هیچ نیروی دیگری حق بازداشت پیشمرکه هیچ سازمان و جریانی را ندارد. این دیگر اصل مسلم ضابطه دمکراتیک سیاسی در کردستان است.

حزب دمکرات نه تنها هیچگونه اقتتایی به این امر نکرد، بلکه بعد از اطلاع ما از مساله و محکوم دانستن این عمل حزب دمکرات در پاسخ نامه‌های ما از هرگونه جواب اصولی ظفره رفته هدف خود از این بازداشت را هر چه بیشتر آشکار ساخت. حزب دمکرات

با طرح مساله "تحقیقات" در حضور نماینده ما (که لابد می‌باید از طرف حزب دمکرات صورت می‌گرفت) آشکار ساخت که در اندیشه اعمال زور و قلندری نیز هست. حزب دمکرات اسم اینگونه برخوردهای خود را هر چه بگذارد مسلماً از نقطه نظر ما این برخورد حزب دمکرات چیزی جز زورپا نهادن هرگونه ضابطه سیاسی متقابل و تحمل جستن به غیر اصولی‌ترین شیوه‌های ضد - دمکراتیک نمی‌توانست باشد.

ما ضمن محکوم دانستن این گونه برخوردهای حزب دمکرات، خواهان تحول و نفیر مذکور به نمایندگان سازمان و توضیح رسمی حزب دمکرات در این مورد شدیم. و با توجه به ادامه برخورد حزب دمکرات مساله را در سطح جنبش علنی ساختیم. اگر چه حزب دمکرات بعد از اعلام رسمی ما در سطح جنبش در روز ۱۷/۸/۶۴ دو نفیر مذکور را آزاد نموده و علی‌رغم تاکید جدی ما بر پاسخ رسمی پیرامون این اقدام خود در سطح جنبش در دادن هرگونه پاسخی خودداری نمود.

جریان بازداشت این دو نفیر از سوی حزب دمکرات یکبار دیگر آشکار ساخت که حزب دمکرات تا چه حد در ادامه سیاست‌هایی که بر علیه نیروهای انقلابی در پیش گرفته است، صبر است. حزب دمکرات تصور می‌کند ادامه این سیاست‌ها او را به کجا خواهد رسانند؟ حزب دمکرات با ادامه چنین برخوردهایی در تمامی زمینه‌ها، کدام دستاورد جنبش کنونی را حراست می‌کند، آیا می‌تواند چنین کاری بکند؟ درست تر این نیست که بگوئیم حزب دمکرات در عملگردهایی از این قبیل از جمله خلع سلاح پیشمرگان نیروهای سیاسی دیگر، جلوگیری

از فعالیت آنها، مهم‌تر از همه با ادامه درگیری‌های خود با کومه له و تهدید دیگر نیروهای سیاسی جز در جهت محو و نابودی دستاوردهای جنبش کنونی گام بر نمی‌دارد؟

واقعیت این است که حزب دمکرات در پیشبرد این سیاست‌ها به ویژه در طول یک سال گذشته آنچنان پیشرفت کرده است و شتاب به خرج داده است که امروز بر کمتر کسی در شناخت چهره فرد دمکراتیک سیاست‌های حزب دمکرات، جای تردید باقی گذاشته است. واقعیت سیاست‌های حزب دمکرات امروز پیش از همیشه و در روند تاکنونی خود، دیگر آشکار ساخته است که اهداف چنین سیاست‌هایی صلاً در مغایرت با اهداف انقلابی جنبش کنونی و نافی تمامی دستاوردهای دمکراتیک آن است. حزب دمکرات امروز دیگر به عامل تشت و درگیری در جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل شده است و هرگونه ضابطه سیاسی متقابل فیما بین نیروها را نقی نموده و عملاً سیاست تهدید و درگیری نظامی را جایگزین آن نموده است.

لزمه برخورد اصولی با اینگونه سیاست‌ها آن است که حزب دمکرات با دست برداشتن از تهدید نیروها و زیرپا نهادن مکرر اصول دمکراتیک در تمامی زمینه‌ها، و گردن نهادن به قطع درگیری‌های خود با کومه له، بر اصول دمکراتیک جنبش کنونی گردن نهاده، پیش از این بر ادامه سیاست‌های ضد دمکراتیک خود پافشاری نکند و اختلافات خود با نیروهای سیاسی رانه از طریق توسل به تهدید و املاح بلکه از طریق میانجی‌گری

میران و خانه‌های دیگری آسیب دیدند.

بانه

منطقه بانه نیز از این حملات وحشیانه برکنار نبوده است. اخیراً در اثر توپ و خمپاره باران روستاهای این منطقه، دو روستای جان خود را از دست داده و سه نفر دیگر در روستای "چومان" زخمی شده‌اند.

ضد مردمی یک زن اهل روستای "تیمتیا" به شدت زخمی شد و به روستایان منطقه خسارات زیادی وارد شد.

پیرانشهر

در تاریخ ۱۶/۸/۶۴ یکبار دیگر توپ خانه عراق، شهر پیرانشهر و اطراف آن را بمدت چندین ساعت توپ باران کرد. در اثر این توپ باران‌ها، تعدادی زخمی شدند، چند خانه بکسی

چند خبر کوتاه از :

از صفحه ۱۵ جنگ ارتجاعی...

روز بیست و نهم سپهرماه منطقه سردشت توپ و خمپاره باران کرد. بد که در اثر این عمل وحشیانه، تعداد زیادی از خانه‌های روستایان این منطقه آسیب دیده و یک نفر از اهالی زحمتکش روستای "کونه مشکلی" جان خود را از دست داد.

همچنین در تاریخ ششم آبان ماه، منطقه آران سردشت مورد حمله نیروهای عراقی قرار گرفت که در اثر این حرکت ارتجاعی

نکاتی پیرامون

بازداشت دوتن از پیشمرگان سازمان
توسط حزب دمکرات کردستان ایران

در اوایل آبان ماه، حزب دمکرات کردستان دو نفر از پیشمرگان سازمان ما را به بدون آن که سازمان را از جریان امر مطلع سازد، بازداشت نمود. ما تنها بعد از ۲۴ ساعت در جریان پی جویی این رفقا، از طریق پیشمرگان یک نیروی دیگر از وضیت آنها مطلع شدیم. بهانه حزب دمکرات برای این بازداشت، طبق نامه های ارسالی دفتر سیاسی حزب دمکرات این امر بوده است که دو پیشمرگه مذکور، بعد از کم کردن راهبر فاصله دو مقر سازمان، از حوالی مقر حزب دمکرات سراسر سراسر آورده اند.

حزب دمکرات بعد از بازداشت غیر مجانبه و غیر معمول اینگونه موارد، سازمان ما را از این امر مطلع نیاخت، بلکه با بازداشت نمودن آنها در همان روز، عملاً آشکار ساخت که به هیچ اصل دمکراتیکی پایبند نیست. افراد بازداشت شده، در همان لحظه، اول نه تنها وابستگی خود به سازمان ما را اعلام داشته بودند، بلکه در عین حال کارت شناسائی متعلق به سازمان ما را نیز به همراه

در صفحه ۲۳

شش سال گذشته، نه تنها برآورده نشده است، بلکه برعکس همیشه و در تمامی این سالها، با آزاده استوار و محکم خلق قهرمان کرد نیز روبرو گشته و به انحاء گوناگون با شکست مواجه گشته است.

مزدوران رژیم برای پیشبرد سیاست سر باز گیری اجباری، با توجه به تجارب چندین ساله خود، از یک در ابعاد گسترده تری دست بکار شده، به ایجاد جو پلیسی و ترور و ارباب در شهرها پرداخته اند. آنها برای دستگیری فرزندان

در صفحه ۲۰

به مناسبت شصت و هشتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

حل مسئله ملی در کشورهای

پروژوای را به نمایش گذاشت. با درهم کوبیده شدن نیروهای ضد انقلاب و بازداشت اعضای حکومت ضد-انقلابی قیام پیروز شد و طبقه کارگر در اتحاد

در صفحه ۱۸

اکتبر آغاز شد. در مسکو و دیگر شهرهای روسیه نیز قیامهای مشابهی روی داد. وقوع قیام در این شهرها، عظیم ترین و پرشکوهرترین نبرد طبقاتی کارگران و زحمتکشان علیه حاکمیت

شصت و هشت سال پیش در بیت و پنجم اکتبر (برابر با هفتم نوامبر تقویم جدید و شانزدهم آبان ۱۳۱۷) با پیروزی قیام کارگران و سربازان شهر پتروگراد انقلاب کبیر سوسیالیستی

... اخباری از جنبش توده ای

در صفحه ۱۰

رادیو

صدای فدائی

امواج کوتاه مدتی ۶۵ و ۷۵ متر

ساعات ۸، بعد از ظهر

و ۱۲،۵ روز بعد



خلق کرد پیروز است

جدول یک ماهه
علیات پیشمرگان
خلق کرد

۲۷ صر تا ۲۷ آبان

در صفحه ۲۱

تلاشهای گسترده رژیم برای

سر باز گیری اجباری

صفوف پیشمرگان قهرمان خلق کرد جلوگیری نماید.

سر باز گیری اجباری یکی از سلسله سیاست های ارتجاعی رژیم در کردستان است که هدف آن همچون دیگر سیاست های رژیم از قبیل تبلیغ اجباری، کج اجباری، محاصره اقتصادی و غیره افزون بر تمامی یورش های سیاسی و توطئه و خیمه باران و آزار و اذیت تقریباً همه روزه زحمتکشان خلق کرد، از پای در آوردن این خلق قهرمان، و به شکست کشاندن آن است. هدفی که در طول بیش از

در ماههای اخیر، رژیم جمهوری اسلامی یکبار دیگر دست به سر باز گیری گسترده در روستاهای کردستان زده است. رژیم با محاصره روستاهای مناطق مختلف کردستان و دستگیری جوانان تلاش نموده است که فرزندان خلق کرد را به کشتارگاههای جنگ ارتجاعی خود با رژیم عراق گسیل دارد. و از این طریق علاوه بر تامین نیروی انسانی برای ادامه این جنگ خانمانهوز، فشار هرچه بیشتری را بر زحمتکشان خلق کرد وارد آورده، از پیوستن روز افزون فرزندان آنها به